

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وپایگاه داخلیش

کارگران و رزمندگان
متحد شوید

مجلس خبرگان و کشاکش قدرت

فائده خبرگان هم آن هنگام بالا
میکرد که طیفی از شعارهای پوچ و عوام
فریبناپذیر و خبیث سردمداران رژیم در
زینده طول عمر خمین، آنهم تنها
انقلاب مهدی **!!** آنها خود
در ریافتن اندک کبایرک خمینی خلافت
عظیمی در قدرت رژیم رخ خواهند
نمود. آخرین بقایای توهم به امام
اقت **!** که هنوز در زینت افتخار
قلیلی از ناآگاهترین و عقب ماندترین
توده ها وجود دارد نیز همراه خمینی
رفتن خواهد بقیه در صفحه ۱۸

کشاکش بین جناحهای مختلف
رژیم و اینبار بر سر کسب مقام
رهبری تکاپوی ویژه ای برادر رون
هیئت حاکمه سبب گشته و عوا بر سر
مجلس خبرگان و میزان ضرورت
ترکیب و اختیارات آن نتیجه تهمی
تضاد های این جناحها با یکدیگر
است. تضاد نه بر سر درستی یا ناپستی
سرکوب کارگران و زحمتکشان بلکه
در چگونگی مرعوب ساختن توده ها و
اعمال این سرکوب و بیخاطر خدمت به
منافع سرمایه داران .

توازنه و رشکستگی

رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در تمام
مرصدهای اقتصادی، اجتماعی و
سیاسی با رشکستگی مطلق روپرو شده
است. گند بدگی و فساد سر تا پای
رژیم را فرا گرفته است. اضمحلال
و فروپاشی مداوم آشکارتر میگردد.
از هم گسیختگی و فلاکت اقتصادی
در بگرم صورت امری مسلم در آمده است.
تورم بیستم مرتبان رژیم، رشکستگی و
بی اعتباری سیاسی و اخلاقی آن راهبه
همه آشکار نمود ماست. تمام
سیاستهای رژیم جز فاجعه ثمری
نداشته است و در نتیجه تمام این
سیاستها، جامعه بسوی برهبریت
قرون وسطائی سوق داده شده است.

اکنون در گرفتار فساد، اضمحلال، از
هم گسیختگی و وخامت اوضاع به مرحله
سای رسیده است که حتی زمامداران
رژیم جمهوری اسلامی و پاد و هتای
حکومتها نمیتوانند از اعتراف
به وخامت اوضاع سر باز زنند. نخست
وزیر جمهوری اسلامی ترانامیه
ورشکستگی بقیه در صفحه ۲

در کنار پیشبرد سیاست حل سرمایه
داران نهنگاری، سیاست دعوت
از سرمایه داران فراری و ماندن در داخل
کشور، سیاست وعده تضمین امنیت
سرمایه، تدوین و تصویب لوایح مدافع
نظم موجود، چون لایحه حدود و
شبهه فعالیت تولیدی بخش خصوصی،
همراه با قراردادهای متعدد اقتصادی
با کشورهای مختلف امپریالیستی
تماما بر پایه بودجه ای که اساس آنرا
درآمد حاصل از فروش نفت و مالیاتها
تشکیل میدهد، و در برابر آن اخراج
بقیه در صفحه ۵

پیش نویس

قانون ارتجاعی کار آئینه تمام نمای رژیم

در این شماره

● **خطاب**
به (۷)
فیلغین
در صفحه ۱۱

● **اخبار کوتاه کارگری**
در صفحه ۳

اعتصاب سلاح پرولتاریاست

مراحل خاصی از رشد مبارزات شکل
میکیرند و گاه محدود به کسب خواستهای
اقتصادی هستند، گاه خواستهای
اقتصادی و سیاسی را توأم میگیرند
و تحت شرایطی به اعتصابات سیاسی
فرامیرویند. و اینکه خود اعتصابات
سیاسی بهنگامی که جنبه سراسری و
بقیه در صفحه ۴

تاکنون طی سه شماره از نشریه
(۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۹) و ضمن
بررسی پروسه شکلگیری و تحقق
اعتصاب عمومی سیاسی در جریان
طوفانهای انقلابی سالهای ۵۷ و ۵۸
تا حدودی به مباحث مختلفی که در
ارتباط با اعتصاب مطرح میباشند
آشنا شدیم. اینکه اعتصابات در

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



یکساله اش را به بازار عرضه میکنند و بطریق تمام تلاشهایش که بکار میبرد تا بر ناسامانی رقت بار اوضاع اقتصاد و سیاسی سرپوش بگذارد نمیتواند در لای کلی گوئها و ارتقا و آمار دست یاشکسته از اعتراف باین واقعیت سر باز زند که هیچ بهبودی در اوضاع صورت نگرفته است و گردانندگان روزنامه دولتی کیهان بصراحت از ناسامانی اوضاع سخن میگویند اما مسئول تسام ناسامانی و انحطاط راد ولت موسوی معرفی میکنند و نحو تلویحی از ضرورت تغییران سخن میگویند . مسئولین سیستم مالی و اعتباری از هم گسیخته و لیت هر روز در مصاحبه های مطبوعاتی شرکت میکنند تا بمرور و محافظت بین المللی اطمینان دهند که وضع اقتصاد هم گتصور میشود ، نومید کنند تنبیت ! اما هر انسان اندک مطلعی بخوبی میدانند که بحیران اقتصاد مدی مدام زرف ترور ف تر شده است . رکود در صنایع همچنان به بر جاست . کشاورزی با وضعیت اسف باری و وروروست و میزان محصولات مدام کاهش می یابد . ارزش پول ایران آنچنان سقوط کرده است که بگر کسی پیشیزی برای آن اعتبار قابل نیست . دولت با خزانه های تهی دست بتاراج پشتوانه های ارزی زده است . حتی افلاس و ور شکستی آن بحدی رسید که است که برای بدست آوردن حداقل دولت با خزانه های تهی و وروروست دست بتاراج پشتوانه های ارزی زده است . حتی افلاس و ور شکستی آن به حدی رسید که است که برای بدست آوردن حداقل ارز نفت را بقیمتی بسیار ارزان تر از نرخ رسمی آن در اختیار انحصارات آمریکاییستی قرار میدهند . کمبود کالا ها و ما بحتاج روزمره مردم دیگر نیاز به گفتن ندارد . صف های طولانی که در خیابانها برای بدست آوردن گوشت ، شیر و تخم مرغ ، نان و غیره بسته شده است خود گویا ترین دلیل مسئله است . افزایش سرسام آور قیمت ها بحدی رسید که کم کم محاسبه در صد افزایش آن دشوار میشود و کار بجائی کشید که است که حتی روزنامه دولتی اطلاعات را نیز به اعتراض واداشته است . این روزنامه جمله ای را از نخست وزیر جمهوری اسلامی نقل میکند . مبنی بر اینکه " ما امید انیم که بعضی از کالا ها را چهار برابر یا بیشتر در سطح در سطح جامعه بفروروشند و سپس خود اضافه میکند که در مورد برخی اجناس در صد افزایش قیمتها ۱۰۰ درصد است . (اطلاعات ۲۲ آبان)

ترازنامه

همین روزنامه متصنوی از افزایش قیمتها طی یکسال گذشته بارائسه میدهد که راستی در دنیا کم سابقه است . در این مقاله برای نمونه افزایش رسمی نرخ کالاها چنین ذکر شده است . در سال ۶۰ قیمت هر کیلو بومس بین ۴۰ تا ۱۵۰ ریال بود ، در حالیکه در سال ۶۱ به ۲۱۰ تا ۲۵۰ ریال افزایش یافته است یعنی بیش از صد درصد افزایش داشته است ، لویا از ۱۵۰ ریال به ۳۰۰ ریال یعنی ۱۰۰ درصد و اسکاچ ۱۰۰ ریالی به ۳۰۰ ریالی یعنی به سه برابر افزایش یافته است . اما همه میدانند که اساسا کالا بی بنیخ تعیین شده و ولتی یا نرخ رسمی آن بفرورش نمیرسد و نیز همگاه اند که فساد و پند و پیستهای که در رون هیئت حاکمه موجود دارد باعث میگردد که تمام اجناس از طریق واسطه ها و لالان دولتی وارد بازار شده و بقیتمت های چند برابر قیمت رسمی آن بفرورش برسند و تورم مردم مجبورند اکثر ما بحتاج خود را در بازار آزاد و بقیتمت های بسیار گران تهیه کنند روزنامه اطلاعات مینویسد :
روغن نباتی کیلویی ۶۵ ریال ۶۰۰
ریال یعنی ۹ برابر بفرورش میرسد .
کره کیلویی ۳۰۰ ریال بقیتمت ۸۰۰
ریال ، شکر کیلویی ۲۰۰ ریال ۲۵۰-
ریال ، بیش از دوبرابر ، قند کیلویی ۲۹۰ ریال به ۴۲۵۰ ریال
صابون ۲۰۰ ریالی ۵۰۰ ریالی و ...
بفرورش میرسد . این تازه قیمتهاست است که روزنامه اطلاعات ارائه میدهد و حال آنکه همه میدانند . قیمت های برخی از کالاها بسیار گرانتر از قیمت است که روزنامه اطلاعات ارائه داده است . آنچه که گفته شد ، خلاصه ای است از وضعیت اقتصادی رژیم . روشن است که بار این بحیران مستقیما بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد . آنها جز این است که هم اکنون میگویند بکار ، آوار و گرسنه در سرا سراسر ایران در فقر و تنگدستی بسر میبرند ؟ و اما سطح زندگی کارگران و زحمتکشان بطور متوسط در صد افزایش قیمتها را در یکسال گذشته ۲۰۰ درصد در نظر بگیریم ، این بدان معناست که مزد کارگران به یک سوم تقلیل یافته است یعنی کارگری که در سال گذشته هر ماه ۳۰۰۰ تومان میگرفت ، اسال درازای همان ۳۰۰۰

تومان فقط قادر است معادل ۱۰۰۰ تومان سال گذشته ما بحتاج روزمره خود را تهیه کند . اگر چنانچه قرار باشد وضعیت زندگی کارگران در حد همان سال گذشته حفظ شود ، در آن صورت لا زمت کمزرد آنها سهرابر شود . اما امید انیم که منت نهاد بباری ب حقوق کارگران افزود نشد ماست بلکه به اشکال گوناگون نیز دولت آنها را سر کبسه کرده است . باز هم هزینه های جنگ ارتجاعی را بدوش کارگران و زحمتکشان انداخته اند و بحدی وحشتناکی بر شدت استبداد کارگران افزود شد ماست . وضعیت کارمندان دولت و تمام کسانی که حقوق ثابت دارند نیز بوخامت گرا شده است . دهقانان زحمتکش نیز زیر بار این فشارهای طاقت فرساستد امخانه خراب شده اند . چرا که از یکسود ولت میگویند بر طبق قیمت که خود تعیین میکنند محصولات دهقانان را بقیمت ارزان خریداری کند و از سوی دیگر دهقانان مجبورند ، در بازار ما بحتاج روزمره خود را بقیمت های گزاف خریداری کنند . تنها سرمایه داران بخشهایی از بازار ایران که وارد بند و پیستهای دولتی شده اند و دستگاه فاسد روحانیت است که از این اوضاع سود میبرند و طلیونها و صلها در هاربال در هر ما به جیب میزنند . در یکسوا اکثریت عظیم تورده های مردم با فقر و وسکنت دست بگریبانند و روز بروز وضعیت آنها بدتر میشود و در سوی دیگر یک مشت استعمارگر و انگل جامعه شروتی های هنگفت می اندوزند و در رفاه زندگی میکنند . در چنین شرایطی است که معاون نظارت بر روابط کاروزارت کار در پاسخ به وضعیت وخیم کارگران بسا بیشرمی تمام میگوید : گر اسلام تضاد میان ثروت و فقر وجود ندارد بلکه تضاد میان اسلام و کفر است . من خودم سرمایه دارانی را میشناسم که خیلی به انقلاب کمک کرده اند (اطلاعات دوشنبه ۲۴ آبان) اینک معاون وزارت کار از سرمایه داران دفاع کند تعجب ندارد ، چرا که رژیم جمهوری اسلامی و تمام مزدوران دستگاه دولتی آن وظیفه ای جز پاسداری از منافع سرمایه داران ندارند . اما وقاحت بیش از حد لازم است که کسی تضاد فقر و ثروت را که سر تا پای جامعه بر آن گواهی میدهد ، انکار کند . تضاد میان فقر و ثروت واقعیتی است آنچنان روشن و تیر بدنا بدی

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

اخبار کوناہ کاری

پارس الکتریک :

اوایل آبان - طبق گزارشات رسیدہ کارگران پارس الکتریک در اعتراضاتشان با مدبر کارخانه وانجمن اسلامی درگیر شدند و خواستار اخراج اعضای انجمن اسلامی شدند و بدنبال برخورد های لفظی به اعضای مزدور انجمن اسلامی حمله کردند و آنها را مضروب ساختند . سپس پاسداران سرما به با هجوم مسلحانه خود جمعی از کارگران را دستگیر کردند و پس از چند روز عده ای از کارگران نیز اخراج شدند . طبق این گزارش تعدد دستگیر شدگان و کارگران اخراجی جمعاً بیش از ۱۰۰ نفر میباشند

تعمیرگاه شماره ۹ شرکت واحد

۶۱/۸/۱۴ :

طبق بخشنامه های که اخیراً ادا شده ، حق خوردن صبحانه نیز از کارگران (در محل کار) سلب شده است و در این رابطه از مزدوران حزب الهی خواسته شد که به وظایف جاسوسی خود عمل کرده و هر آنکس را که در محل کار صبحانه میخورد معرفی کنند . اما کارگران با بی توجهی کامل به این بخشنامه طبق معمول عمل میکنند و در محل کار صبحانه میخورند .

چیت ممتاز ۵/۸/۶۱ :

انتخابات شرکت تعاونی کارگران بدون حضور کارگران برگزار شد . چند ماه پیش کارگران چیت ممتاز در اعتراضی به دزدیهای شرکت تعاونی در مقابل تعاونی تحصن کرده و مانع بازگشایی آن شدند که این حرکت با هجوم پاسداران ناموفق ماند . در تاریخ ۱۵/۸/ همزمان افراد قبلی مجدداً برای شرکت تعاونی کاندیدا شدند . بدنبال این جریان کارگران در اعتراض بکاندیدا شدن این افراد در انتخابات شرکت نکردند و انتخابات فرمایشی بگونه سالی مضحک وبدون حضور کارگران برگزار شد .

شرکت واحد ۱۳/۸/۶۱ :

مدیر جدید که از عناصر مورد اعتماد رژیم است (وناطق نوری وزیر کشور پیشینهاد فرمانداری تهران را به او داده) حدود ۲۰ نفر از افرادی را که خود بر سر کار گذاشته بود استخدام رسمی نمود . این عمل در شرایطی صورت گرفته که تعدد زیادی از کارگران قرار دادی که حتی برخی از آنها سه سال سابقه کار دارند هنوز رسمی نشده اند . این حرکت ضد کاری از آنرو صورت گرفت که جاسوسان تازه استخدام شده و مورد اعتماد رژیم حرکات متشکل کارگران را خنثی کرده و نقش اعتصاب شکن را ایفا نمایند .

چینش کاری



پارس مثال :

در تاریخ ۳/۸/ مجمع عمومی جهت سخنرانی مدبر کارخانه تشکیل شد . او در سخنان خود ضمن اینکه از طرحهای گسترده ای جهت افزایش تولید سخنرانی کرد و کارگران خواست که بیشتر کار کنند و بر ساعات و کیفیت کار بیفزایند اما در عوض از خولستهای کارگران با وعده وعیدی گذشت .

سپس نمایندگان شورای فرمایشی کارخانه اما مد سخنرانی شدند که در این هنگام کارگران بطور دسته جمعی جلسه را ترک کردند و با حرکت یکپارچه خود بی اعتمادی خود بشورای فرمایشی را بنمایش گذاردند و اینکه هیچگونه توهمی نسبت به مزدوران رژیم ندارند . نمایندگان شوراهای موضوع ارا نامناسب دیدند از سخنرانی منصرف شدند .

معکس میباشد . کروکی برای مرور و بررسی مجدد فقای تیم پخش و همچنین بررسی توسط مسئول بنسخته و رفع اشکالات پخش ترسیم میشود .

در کروکی ابتدا نقشه کارخانه و منطقه کشیده میشود . سپس خیابانها و محله های ورود و خروج تیم پخش را می کشیم پس از آن نقاطی را که افراد مسلح و مشکوک وجود دارند در نقشه نشان میدهیم . مناطق تجمع کارکنان و مسیر حرکت آنها باز کرساعت دقیق مشخص میشود . بعد از تکمیل کروکی (اگر با نظارت و حضور مسئول هسته ترسیم و تکمیل شود مناسبتر است) هسته شروع به طرح پخش میکند و با بررسی دقیق کروکی موارد زیر را مشخص مینماید - چه ساعتی وارد محل شویم ؟ - از چه مسیری وارد و از چه مسیری خارج شویم ؟ - به چه طریق وارد محل شویم ؟ (در قسمت قبل از پخش توضیح داده میشود) - در کدام نقطه پخش کنیم ؟ - نحوه پخش به چه صورت باشد (در قسمت پخش توضیح داده میشود) - در کدام مسیرها تصفیه کنیم ؟

ادامه دارد

خطاب به ...

بقیه از صفحه ۱۴

وضعیت جلوی کارخانه که آیا افراد مسلح وجود دارند یا نه ؟ آیا در ساعت مقرر ماشین گشت دیده میشود ؟ وضع مفاز در آن وقت که در آن محل چگونه است ؟ در محل پخش (سرکچه ها و ...) آیا جوانان محل می ایستند ؟ اگر می ایستند چه تیبی هستند آیا امکان دستگیری توسط آنان وجود دارد ؟ وضع ترافیک در ساعت پخش چگونه است ؟ آیا میتوانیم سرعت از محل خارج شویم ؟ (وقت شود که تقسیم بندی رفقا در جزوه شان تقریباً مطابق با تقسیم بندی ما تحت عنوان شناسایی مرد هوزند همی باشد)

کشیدن کروکی : کروکی نقشه ای است که تمام جزئیات عملیات یاد وقت و توضیح کافی در آن

اعتصاب

بقیه از صفحه ۱

عمومی پیدا کنند، بخاطر نقش تعیین کننده طبقه کارگر در حیات جامعه، کل جامعه را فلج میسازد، اگر چه این حالت بدون فراوانی اعتصاب عمومی سیاسی بقیام سلطانه جهت سر انداختن رژیم سرمایه داری و جان نشین کردن رژیم انقلابی هیچگاه قادر به حصول به اهداف انقلابی مورد نظر کارگران و زحمتکشان نخواهد بود.

ما، از این شماره تا رجا اقدام به طرح سلسله مقالاتی خواهیم کرد تا ویژگیهای گوناگون اعتصاب و نقش آن در تکوین یک روند انقلابی هر چه بیشتر بازشناخته شود. این مقالات در عین پیوند ارگانیکیک که با یکدیگر خواهند داشت، ولی هر بار بشکلی نسبتاً مستقل و خود کفآرانه خواهند شد و در هر نوبت بحث مشخصی را به پایان خواهند برد. در این شماره خواهیم دید که چگونه اشکال عمده مبارزاتی در هر دوره سرمایه سون سلطه بستگی مشخص دارد و اینکه در هر کدام از فراسیون های اقتصادی اجتماعی، طبقات تحت ستم با اشکال ویژه ای متمایز از یکدیگر مبارزه میکنند و سرانجام اینکه اعتصاب سلاح پرولتاریاست.

* * *

از زمانی که جامعه بشری به طبقات مختلف تقسیم شده است. تاریخ زندگی انسان، تاریخ مبارزات مردم تحت ستم بر علیه طبقات استثمارگر بود است. در هر دوره تاریخی بسته به مناسبات اقتصادی - اجتماعی حاکم، طبقات محروم جامعه بطرق گوناگون و با اشکال مختلف بر علیه مناسبات استثمارگرانه حاکم مبارزه میکردند. قوانین عام و اساسی مبارزه طبقات در هر دوره تاریخی تابع مناسبات اجتماعی و انعکاسی از ساختار اقتصادی و اجتماعی در آن - دوره میباشد. بدین جهت برای شناخت اشکال مبارزاتی توده های تحت ستم علیه نظامات بهره کشی در هر عصر تاریخی، شناخت اساسی ترین مشخصات ختمان تولید اقتصادی آن عصر، و نیز جایگاه ویژه طبقات در سازمان اجتماعی کار، ضرورت میباشد. عبارت دیگر، شکل مبارزاتی طبقات در دورانهای مختلف تاریخی، بنا به مناسبات اقتصادی - اجتماعی

حاکم، از یکدیگر متمایز است. بر این اساس، شکل مبارزاتی معمول بردگان و هقانان و کارگران تعیین میشود و از یکدیگر متمایز میگردد. و نیز بر اساس رابطه هر طبقه با ابزار تولید و جایگاه ویژه هر طبقه در سازمان اجتماعی کار، شکل مشخص و طبیعی مبارزات اقشار و طبقات در رونیک نظام سلطه از یکدیگر متفاوت میگردد (مثلاً شکل مبارزاتی کارگران و خرد بورژوازی در نظام سرمایه داری).

عقب افتادترین و سببانه ترین شیوه استثمار در دوران برده داری وجود داشت. برده ها نه تنها، از هیچگونه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نبودند، حتی خود "مالک" خویش نیز نبودند. برده ها خود بخشی از ابزار تولید جامعه برده داری بحساب آمد و در تولید نعمات زندگی و معیشت برده داران چون ابزار کار خد مت گرفته میشدند. اشکال مبارزه ای که بردگان به آن روی می آوردند انعکاسی از مناسبات اجتماعی در آن دوران بود. بردگان تحت شرایطی، دست به کم کاری میزدند و به این ترتیب مخالفت خود را علیه نظام موجود آشکار میساختند، و در شرایطی که فشار کار و آزار برده داران فزونی مییافت، از آنجا که بردگان مالک هیچ چیز نبودند و هیچگونه وابستگی به محیط کار و زندگی خویش نداشتند، دست به فرار و یا بشورشهای محلی و خود انگیخته میزدند و این عمومی ترین شکل مبارزه آنان بود. مبارزه ای که به علت پراکندگی عدم سازمانیافتگی و روشن نبودن هدف، همیشه بوحشیانه ترین وجهی سرکوب میشدند.

اشکال مبارزات دهقانان بر علیه فئودالها نیز انعکاسی از شیوه تولید فئودالی بود. تاریخ مبارزات دهقانی، غالباً با شورشهای دهقانی که عمدتاً از هم گسیخته، جدا از هم و خود به خودی است، همراه میباشند. دهقانان چون خود بر مالکیت بر ابزار تولید و آنچه که بعنوان محصول از زمین برداشت میشود شریکند، طبعاً در مبارزه بر علیه اربابان خود برای سهم بیشتر و در مواردی برای کسب مالکیت تمام ابزار تولید، هرگز به اشکال اعتصابی مبارزه، یعنی خود داری از کار کردن و یا کم کاری دست نمیزنند، چرا که خود مستقیماً از آن متضرر میشوند. دهقانان نیز وقتی فشار بهره کشی فئودالها طاقت فرسا میشد، زمانیکه قحطی و خشکسالی

وضعیت معیشت آنها را پیش از پیش خراب میکرد، دست بطغیان و شورش میزدند، در چنین شرایطی فقط - جرتهای لازم بود تا دهقانان و اسباب و وسایلیشان را بگیرند، به سمت خانه ارباب روانه شده، فئودال و ارباب زمین را کشته، خانهاش را به آتش کشید و برای مدتی موقتاً سر بکوب میزنند. اما آنها هرگز برای مبارزه (بعنوان یک شیوه معمول) زمین خود را ترک نمیکند، در حقیقت موضوع مبارزه همان زمین است. مبارزات دهقانان، اساساً متشکل، سازمان یافته و به هم پیوسته نبود و این خود باعث شکست اغلب قیامهای دهقانی بود است. نبود شکل و سازمانیافتگی و وجود پراکندگی در مبارزات دهقانی خود انعکاس وضعیتی دهقانان در سازمان تولید فئودالی است. تولید در نظام فئودالی که متکی بر کارمزدی دهقانان است، باعث میشد که زمینه های عینی مبارزه جمعی و سراسری در بین دهقانان وجود نداشتند. نقش فردی دهقان در تولید، انعکاس خود را در اشکال پراکنده، از هم گسیخته و انفرادی شورشهای دهقانی بازمی یافت.

باز شد مناسبات سرمایه داری طبقه کارگر بعنوان طبقه نوینی متولد میشود. همزمان با رشد بورژوازی در جامعه، بر رشد کمی و کیفی طبقه کارگر نیز افزودن میشود. با پیدایش این طبقه اجتماعی، اعتصاب بعنوان شیوه نوینی از مبارزه و بعنوان سلاح پرولتاریا در مبارزه علیه بورژوازی شکل میگردد. وقتی مارکس میگوید: "آنچه که تعیین کننده شعور انسانهاست، هستی اجتماعی آنان است نه اینکه شعورشان تعیین کننده وجودشان باشد." پسارگی روشن میکند که علل وجودی شیوه های معینی از مبارزه پرولتاریا را نباید در طرز تفکر و میل طبقه در یکا گیری این اشکال مبارزاتی جستجو کرد، بلکه برای بررسی درست و علمی باید به شناخت از هستی اجتماعی انسان دست یافت. شعور کارگران نیز خود، انعکاس موجودیت اجتماعی این طبقه میباشد. بر مبنای موجودیت اجتماعی کارگران، یعنی نقش و جایگاه آنان در سازمان اجتماعی کار است که اعتصاب بعنوان یکی از معمولی ترین و طبیعی ترین اشکال مبارزاتی طبقه کارگر شکل میگردد، یعنی اعتصاب با زتاب نقش پرولتاریا در مناسبات اقتصادی جامعه سرمایه داری است.

اساسی ترین بقیه در صفحه ۹

قانون

بقیه از صفحه ۱

دستگیری و اعدام کارگران و تودهای زحمتکش همراهمها پیشبرد سیاستهای از قبیل تشکیل نیروی ویژه، لغو تعطیلی روزهای پنجشنبه، انحلال دادگاههای حل اختلاف در عین حفظ ماده ۳۳ قانون کار گذشته و در کنار هم اینها است که تدوین پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی به کارگران اطلاع داده میشود.

رژیم جمهوری اسلامی، بنیست برقراری سلطه بلا منازع و خشک و یکتا توری بورژوازی، در پی هرگامی - امام روپارویی با بیداری تودها، گامهایی به پیش و گام پیش - که سیاست سرکوب و نفی آزاد بیچاره پیش برده است، امروز که به نفی کامل آزاد بیچاره اعمال د یکتا توری عریان و تحمیل حکومت نظامی اعلام نشده ای بر مردم دست یافته، شرایط را تا حد اعلام تدوین پیش نویس قانون کار، مطلوب دانست. پیش نویسی از آنگونه که بسی عقب مانده تر از قانون کار شاهنشاهی است، از آنگونه که بصراحت از خیر بی نیروی کار اما تا حد اجاره و اجیر شدن زحمتکشان سخن میگوید، و بر تمامی حقوقی که کارگران طی مبارزات قهرمانانه خویش کسب کرده اند، بیکباره خط بطلان میکشد.

رژیم گریز از حرانی که بشدت گلویش را میفشارد و چاره فائق آمدن بر بی نظمی روپارویی با جنبش او جگر نده تودهای راد را ز منوی دیگر حسته است. تلاش برای تحمیل قانون کار تهیه شده است مدافعان نظم سرمایه.

گفتمیم که تدوین پیش نویس قانون کار جدید تنها بعنوان یک خبر اعلام شده و در حالیکه هنوز متن آن انتشار نیافته و مفاد آن از دید کارگران و زحمتکشان پنهان نگاه داشته شده است چرا؟ پاسخ روشن است.

تلاشهای جمهوری اسلامی بر این اصل استوار گردید که جهت پیشبرد سیاستی مشخص علیه کارگران و زحمتکشان، همانا باید لیل رشد آگاهی تودها و تند اوم حرکت و جوشش مبارزات آنها، ابتدا برای قبولانند و تحمیل آن سیاست به زمینه سازی اقدام نماید تا بعد بتواند آنها به عنوان یک قانون لا یتغیر ابدی -

به تودها تحمیل نماید. حل مشکل بیکاریها به گردش در آوردن سرمایه در تولید، جازدن جمهوری اسلامی در زمره "حکومت های مردمی" در عین استمداد از سرمایه داران - فراری برای بازگشت به کشور کونفای از این اقدامات زمینها زودهاست.

مشابه همین سیاست را آنجا که عوامل رژیم از قانون کار اسلامی سخن میگویند نیز میتوان مشاهده کرد: معتقد رضائی معاون وزارت کار در گرد همائی ای که به منظور بحث پیرامون قانون کار تشکیل شده اظهار میدارد: "در اسلام تضاد میان ثروت و فقر وجود ندارد، بلکه تضاد میان اسلام و کفر است" (کیهان - ۱۸/۱۸)

فاضل هرندی، نماینده امام در ستاد واگذاری زمین ورثیس کمیسیون کشاورزی مجلس، ضرورت پذیرش قوانین مدافع سرمایه داران را از سوی کارگران بگونه ای دیگر تبلیغ میکند. او میگوید: "ما در عین اینکه طرفدار مستضعفین هستیم، نباید این سالک از نظرمان دور بماند که قانون خدا را رعایت کنیم و رعایت قانون باید برای ما خیلی مهم باشد" (اطلاعات - ۸/۱۰)

وتوکل جبهت القا و تثبیت این اندیشه، همچون دیگر عوامل رژیم، وعده "آیند مطلوب" را میدهند: "قانون کار اسلامی باعث خواهد شد که آنها (کارگران) در بلند مدت از ثمره این قانون استفاده نکنند" (کیهان - ۱۵/۷)

با چنین مقدمه چینی های عوام فریبانه و از روی برپا و تزویر حمایت از مستضعفین در عین رعایت قانون "برابری ثروت مند آن و تهیدستان است که رژیم تدوین پیش نویسی قانون کار را به اطلاع کارگران میرساند. اما هنوز زود است که مفاد آن نیز انتشار یابد. شرایط مطلوب آن هنوز فراهم نگشته است. حرکت های اعتراضی روبه گسترش کارگران و اشکال متنوع جنبش خود انگیزه تودهای از یک سو و وحشت از افشای ماهیت این قانون از سوی نیروهای انقلابی، هنوز اجازه نمیدهد که این پیش نویس در سطح جامعه مطرح گردد.

سخن نبوی از میان بی شمار سخنان عوامل رژیم، دلیل آشکار این وحشت رژیم است: نبوی استدلال میکند: "این لایحه هنوز بعنوان یک پیش نویس است... و درست نیست در سطح

جامعه مطرح شود... نباید به ضد انقلاب خصوصاً گروههای چپ اجازه بهره برداری از این بحث و گفتگوها داده شود" (کیهان - ۱۹/۳)

اما، آنجا که توکلی ابراز امیدواری میکند که کارگران از "هیا هوی گروههای چپ" وسوسه نشوند و بخیا بان نریزند (کیهان ۱۵/۷). و خاصنهای ترجیح میدهد: ابتدا نظر خود را در هیات دولت مطرح نموده سپس از آن در رسانه های گروهی اعلام کند (کیهان ۱۹/۳) با بحسبارت در بررسی از بررسی و تصویب دولت، باید گفت: برآستی که سردمداران رژیم جاه آسوده و صریح از نیت پرده پوشی گواچ و تصویب آن در مجلس سخن میگویند، از آنرو که بعد بتوانند از آن جوان حماق قانون استفاده کنند و بر سر خلق بکوبند.

بهر روی رسیدنی است که محتوا و مفاد پیش نویس چیست که رژیم را اینگونه به پنهان کاری واداشته و وحشت دارد از اینکه کارگران، که بی باکست مجری آن باشند از متن آن اطلاع حاصل نمایند. قانونی که به ادعای توکلی "اگر تصویب شود، مشکلات کار و کارگری را حل خواهد کرد."

ناگفته پید است که حل مشکلات کار و کارگری همسبک و سیاق جمهوری اسلامی جزو قاع از سرمایه داران نیست. چرا که استدلال رژیم در نفی ضرورت نظر خواهی از کارگران به هنگام تدوین این پیش نویس خود موید این سخنان ما است.

با ز توکلی است که در این باره سخن میگوید: "مواد این قانون از دو بخش تشکیل شده که یک بخش - که قسمت عمد آنها را تشکیل میدهد - از احکام الهی نشأت گرفته و بخش دیگر مسائلی است که جای مشورت دارد. در مورد آن قسمت از پیش نویس قانون کار اسلامی که بر اساس احکام الهی تنظیم و تدوین شده فقط نظروای کارگران بلکه رای من و وزیروها هر بشر در بگرد خیل نبود و نیست. در این رابطه ما تنها کاری که انجام دادیم انعکاس احکام از قول فقهای دین بود" (کیهان ۲۰/۷)

اما بهینهم توکلی در خصوص بخش دیگر که جای مشورت دارد چگونه استدلال میکند، او پس از ملاقات با خمینی میگوید: "در این دیدار امام بقیه در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

بر جنبه اسلامی بودن قانون کار بر مبنای باب اجاره فقه اسلامی تاکید فرمودند تا در استخدا امهای دولتی و بخش خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. چون این قانون با چهار چوب قرار دادی قانون کار فعلی تشبیه شده و از نظر اسلامی دارای اشکالات - زیاد ی بود ، چون نمیتوانیم اسکت اعتراض کنیم ، در نتیجه از جنبه های فنی آن استفاده میکنیم (اطلاعات ۱۰/۵)

با چنین تحلیلی که رژیم برای تدوین قانون کار دارد ، بخشی به دلیل حاکم گردانیدن اراده - خداوندی و احکام الهی ، که فقط فقها حق تصمیم گیری دارند و بخشی هم که فنی است ، میبایست بر اساس قانون شاهنشاهی پیش رود ، چون اسکت و اساس نظم را که نمیتوان تغییر داد ، بنا بر این کارگران فقط باید منتظر باشند که قوانین ساخته و پرداخته رژیم اسلامی در قاع از سر مایه در آن راه اجرا در آورند . اینجا دیگر ضرورت وجودی کارگران تنها تا آن حدی مطرح میشود که چون اجیری برای کارفرمایان که طبقه انسانها را تشکیل میدهند برد ووار کار کنند و در زیر فشار جرخ دنده های ماشین ، تنها به تکه نانی و نه بیشتر ، فقط بخاطر آنکه برای کار روزی چند مستی وضعف بر آنها چیره نگردد ، اکتفا ورزند .

به توضیح بیشتر پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی بپردازیم . در این مقاله سعی ما بر این است که به بررسی مختصر پیش نویس و طرح رئیس گلی آن بپردازیم . هر خورد به بند بند مفاد این قانون را در مجموعه مقالاتی که پس از این خواهد آمد ، ماکول میکنیم .

پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی از دو بخش اجاره و جماله تشکیل شده است که منظور همان اسکا استخدا م و دستمزدها است . اما از آنجا که رژیم تمامی کارگران و زحمتکشان را تا سطح اجیر و برده تنزل میدهد ترجیح میدهد بجای استخدام و دستمزدها اصطلاحات اجاره که قرار دادی است برای اجیر شدن کارگران و جماله که قرار ی است برای تعیین میزان دستمزدها از سوی کارفرما استفاده کند .

بر اساس چنین تعاریفی است ، که مدافعان حمایت از مستضعفان

قانون

جامعه ، حامیان کارگران و کشاورزان و همه محرومین ، کارگران را اجیر و کارفرمایان را مستاجر میخوانند .

این ، اما ، هنوز آغاز سخن است . جمهوری اسلامی برای آنکه کارگران را چار خیال باقی نگردد و جایگاه خویش را در جمهوری اسلامی بخوبی در یابند و بار از آنجا که رژیم میخواهد فراتر نرود ، در فصلی که عنوان مسئولیت مستاجر و جبران خسارت وارد بهر ۳ اجیر را دارد ، نه تنها موقعیت کارگران را مترادف با اجیر میداند بلکه تنها این کارفرمایان اند که انسان انگاشته میشوند . متن پیش نویس ، حتی آنجا که میناگزیر از انسانها بطور کلی سخن گفته است ، نتوانسته از محسوب داشتن کارگران بعنوان شیئی حد در نماید چرا که منافع حاصله از او ، یعنی سود حاصل از فروش نیروی کار کارگران ، جز اموال است .

اگر بگوئیم رژیم جمهوری اسلامی تنها سرمایه داران را انسان میداند و ارزش توده های زحمتکش را تا سطح چهار ریا یان و اشیا تنزل میدهد ، سخن بگزارف نکته اینجاست . کافی است به نقل عبارتی از خمینی که در متن پیش نویس آمد و اشاره کنیم تا ارزش زحمتکشان را در دیدگاههای مدافعان ستم سرمایه بیشتر در یابید .

اگر بار بر پایش بلغزد و محموله اش بشکند ضامن است ولی چنانچه چهار پایا (ماشین باربری) که برای نقل محموله گرا به شدد بلغزد و خسارتی بر محموله وارد آید ضامن نیست . . . (تحریر الکوسیلر ساله نوبین خمینی ، صفحه ۲۲ متن پیش نویس) .

مجموع قانون کار جمهوری اسلامی ، علاوه بر بخشهای استخدا م و دستمزدها موارد متعدد دیگری که به حقوق کارگران مربوط میشود را نیز در بر میگیرد . بیمه های اجتماعی ، خدمات رفاهی ، بازنشستگی ، حقوق کارگران بهنگام فسخ قرار داد و همچنین کارزمان و شرایط آن . اما خام اندیشی است اگر بپنداریم که پیش نویس تامین این حقوق را مد نظر قرار داده است . بی حقوقی صرف ، برد ووارز بستن ،

بهره دارن و تلف شدن ، آنچه مهم و محترم است عمل انسان است زیرا حائل (منظور شان کار فرماست) باید از عمل آنان (کارگران) منتفع شود .

بهر رو طبق این پیش نویس ، قرار دادی بین کارگر و کارفرما منعقد میگردد ، مدت قرار داد ، میزان دستمزدها ، به تراضی طرفین یعنی بر رضایت طرفین قرار داد ، ذکر میشود و ضابطه معینی در کار نیست . زیرا در ولت اسلامی نمیتوانند برای کارفرمایان تعیین تکلیف کنند . سخنان موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی خود بیان بارز این تکلیف است . او میگوید : طبیعی است که حمایت از کشاورزان کارگرها هر قدر مستضعف و بگر باید در چهار چوب موازین اسلامی باشد . . . ما نمیتوانیم به کارفرما بگوئیم که کارگر را بیمه کن ، در سال فلان مقدار مرخصی بده یا حداقل حقوق کارگر فلان مقدار باشد (کیهان ۱۸/۲۲)

سلما بر این اساس دیگر گفتگو از تامین حقوق کارگران و ضوابط تعیین کنند در قانون ، جز جمله های زیادهای عوام فریبانه نخواهد بود و کارفرما هر که را خواست با هر مقدار دستمزدها استخدا م میکند و آنکه نیاز مند است ، در برابر دریافت حداقل دستمزدهای حتی اگر نتواند امروزش را بفرد لسانند ، مجبور به قبول است . چه تعیین اجرت به تراضی طرفین صورت گیرد و چه در صورت عدم توافق بوسیله کارشناس معین ، در اصل قضیه است شمارو بهره کشی کارگران - تفاوتی نمیکند .

بدین ترتیب در قانون جمهوری اسلامی ، از پیش بدیهی ، اعمال شده که کارفرما ، حاکم بر سر نوشت کارگر خواهد بود . قرار کارفرما میکند آرد . و کارگر مجبور است بهر نوع کاری و با هر مقدار دستمزدها در دهد بدون آنکه از حقوقی بهره مند باشد .

آنجا که سخن از اجیر است در برابر انسان ، با آنکه گفته میشود ، کارگر حتی حق کار کردن - برای خود به هنگام شب را ندارد چون موجب ضعف و سستی در روز بعد که اجیر دیگری است میگردد ، و تنها قادر به انجام کارهایی برای مجاز شمرده میشود که منافاتی با قرار استخدا م نداشته باشد (مانند صرف ناهار که مسلم برای بهره دمی لازم است) بقیه در صفحه ۷

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

واگر نه آنها هم لابد ضرورتی نداشت!

از متعلل و کم کاری و اخلاص در تولید

قانون

کنند و برد و وار بهره دهند. چون با کار مجنون و صغیر هم کار فرما منفع می شود!

این پیش نویس را با تعاریفی چند که در بالا بجه حد و وشیره فعالیت تولید بخش خصوصی مصوبه شورای عالی اقتصاد و هیئت دولت آمده. مقایسه کنید و تا تضمین های هم چنان رژیم جمهوری اسلامی سرا غارتگری و ستم و بهره کشی کارگران بیشتر در بیاید:

تعریف فعالیت تولیدی بخش خصوصی: ماده ۱۰۰۰ این قسمت از فعالیت اقتصادی... که با سرمایه یان نیروی کار اشخاص... انجام میگردد، نیروی انسانی کارگرتنها... استحقاق دریافت اجرت نقدی یا جنسی بر طبق قرارداد منعقد (عقد اجاره یا اجاله) را دارد و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهمی نخواهد داشت... چگونه مد بریت واحد تولیدی بعهده کار فرما است... نیاز به توضیح نیست. هماهنگی کامل پیش نویس قانون کار را بالا بجه حد و فعالیت بخش خصوصی کاملاً مشهود است.

بدین ترتیب سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اکنون به صراحت میتوانند به استیصال خبرنگاران اطلاعات که در تاریخ ۷/۱۷ از نیروی پرسید بود: لطفاً بفرمائید چطور میتوان سرمایه داران و کارخانه داران که خون مردم را میکشد مانند مجرد راه میان کارگران مسلمان آورد؟ پاس روشن دهند:

بابتد و بین چنین لوابحی و تلاش برای قانونیت بخشیدن به استثمار و بهره کشی بیشتر و بیشتر کارگران رژیم جمهوری اسلامی می شود با تصویب چنین قوانینی، به همراه سرکوب و وحشیانه، بر ستم و بهره کشی از کارگران بیفزاید. سردمداران رژیم دست به تلاشی عبث زد مانند راه حلهای سرمایه دارانه برون رفت از بحران اقتصادی، افزایش مناقصات تجاری و بازرگانی با

و بالاخره انحلال دادگاههای حل اختلاف که در پیش نویس قانون تحت عنوان اصل تراضی و تراضی طرفین به آن اشاره شده است.

بر اساس این اصل، اختلافات کارگری فقط از طریق سازش و رضایت طرفین قرار داد میبایست حل گردد و از این پس نیز میبایست در هماهنگی با سایر زمانهای مسئول در امر استفاده از بیمه کارگران و کارکنان واحد ها، ضرورت رضایت طرفین مورد تاکید قرار گیرد... مدبران کار و امور اجتماعی (نیز) در هماهنگی با مسئولان سازمان تامین اجتماعی تشویق و راهنمایی کارگران لازم است ترتیبی اتخاذ نمایند تا امر استفاده از بیمه بر اساس رضایت طرفین تحقق یابد. (بخشنامه وزارت کار - اطلاعات ۱۶/۲۵)

تا زمان وجود این دادگاهها، کار فرما موظف بود در صورت اخراج بیدلیل کارگران و خسارت اخراج را بکارگران برداخت نماید، هر چند به انحاء مختلف سعی میشد مقدار این خسارت به حد اقل کاهش یابد، اما اکنون هیئت های حل اختلاف نباید حکمی صادر کنند بلکه فقط باید صلح بین طرفین را برقرار نمایند و این در حالی است که حقوق اخراج در ماده ۳۳ قانون کار برای کار فرما هنوز محفوظ است.

این مطلب محتاج اثبات و استدلال نیست. کارگری رضایت میدهد که اخراج شود، دیگر چه لزومی دارد او را به نقض رضایتش فراخوانیم و مقرری برایش در نظر بگیریم.

ترتیب "امراستفاد از بیمه"، به همین جا خاتمه نمی یابد. اتخاذ این ترتیب را در کنار مواردی از پیش نویس که در باره عدم ضمانت کار فرما در برابر "هلاک" شدن کارگر است، قرار دهید، نه تنها به نفعی باز نشستی و نفعی تا مین بیمه که به حق بهره کشی تا دم مرگ خواهید رسید.

اما جمهوری اسلامی به این هم قانع نیست. او حتی از کودکان و بیوانگن هم نمیگذرد، از نظر جمهوری اسلامی تمامی مردم زحمتکش، زن، مسرد، صغیر و کبیر، "مائل و سفیه" البته بجز انسانها، می باید برد و بارزندگی

گفتیم برخی سردمداران رژیم سخن از آزادی های را اختیار دولت برای منع اجحاف و ستم علیه کارگران از سوی کارفرمایان، جزعوا مفرسی و ربا کاری نخواهد بود. (موسوی گهبان ۸/۲۲) البته اعضای کابینه نخست وزیر مدتی است که صراحت گوش پشه گرد مانند ببینید موسوی، چه صریح حکایتش را از سرمایه داران اعلام میکنند آنجا که میگوید: "میتوانیم بها و کار فرما) بگوئیم اگر مقررات دولت را در این زمینه رعایت نکنی، نمیتوانی از خدمات دولتی استفاده کنی (همانجا)

سیاست جمهوری اسلامی طی این مدت بنحوی آشکار نشان داده که "هرم" ها و مقررات دولت اسلامی تماماً از همین نوع پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی است، که نه تنها مدافع منافع توده های زحمتکش نیست بلکه اساساً هرگونه بندیرا که کارگران بر اثر مبارزات قهرمانانه خویش بردست ویای کار فرمایان زد مانند، باز میکنند. کافی است به چند لایحه و قانون جمهوری اسلامی بنگریم تا در بیابیم که چگونه مبارزات کارگری، با دم افزودن شدن بیداری و آگاهی کارگران و سایر زیر سؤال قرار گرفتن رژیم مدافع سرمایه داران از سوی کارگران و تملی زحمتکشان، رژیم جمهوری اسلامی، با هر گامی که به پیش برداشته، نفس حقوق کارگران را بیشتر از پیش، افزون ساخته است:

تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار در ۵۸/۳/۷ یعنی در مدت چهار ماه پس از قیام بهمن ماه که بر اساس آن به محض رسیدن هر خنبر اعتراضی، تحصن و... سیاه جامگان رژیم تحت عنوان "نیروی تنظیم روابط کار" بکارخانه میریختند و با تهدید و آزار و دستگیری و زندان حرکت های اعتراضی را درهم میشکستند.

لغو قانون سهام کردن کارگران در منافع کارخانجات در ۵۹/۱/۱ قانونی هر چند فریبکارانه تنها بخاطر پرداخت درصد ناچیزی از سود، اما بهر رو قانونی تحمیل شد به کارفرمایان از سوی کارگران.

لایحه قانونی مربوط به پاکسازی در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی و کشاورزی به منظور جلوگیری

که هیچکس نمیتواند بر آن سرپوش بزند. تمام کارگران و زحمتکشان ایران این تضاد را با تمام وجود خود لمس میکنند. چگونه ممکن است در جامعه‌ای بخش اعظم وسائل تولید در دست تعداد قلیلی افراد متمرکز باشد، و اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران جز دستهای خالی خود چیزی نداشته باشند. اما تضاد فقر و ثروت وجود نداشته باشد؟ معاون وزارت کار البته که نمیتواند بر تضاد طبقاتی میان کارگران و سرمایه‌داران و تضاد میان فقر و ثروت که این چنین در رژیم جمهوری اسلامی برپا شده است، سرپوش بزند. بلکه تنها نقش مذہب را بعنوان وسیله‌ای در جهت تعمیق توپورها و در جهت اسارت معنوی آنها فاش میکند. اگر چهار سال پیش هنگامیکه توپورها ناآگاه به جانبداری از خمینی شعار میدادند و هنوز ماهیتادها و پرتوهای مردم افشانده بود، او نمیتوانست مدعی شود که در اسلام تضاد فقر و ثروت وجود ندارد و جامعه اسلامی از جامعه پراوری بر اداری است امروز که کارگران و زحمتکشان ایران بخوبی درک کرده‌اند که تمام وعده‌های خمینی جز فاع پوشیده از نظام سرمایه‌داری و استثمار کارگران، جز فریب توپورها چیزی نبودند. اظهارات معاون وزارت کار بهریشخند گرفتن توپورهای مردم است، البته معاون وزارت کار میخواست به زبان بی‌زبانی بکارگران بگوید که اگر از تضاد فقر و ثروت سخنی بماند بیاورید و بحریب مقدس سرمایه تخطی کنید! اسلام جنگ صلیبی خود را با شما بمثابه کفار آغاز خواهد کرد. اما مسئله بهمین جا نیز ختم نمیشود. رژیم جمهوری اسلامی در فاع از منافع سرمایه‌داران را بحدی رسانده است که در حال تدوین قانون کار نیست که سرمایه‌داران حق میدهند با کارگران همانند مردم رفتار کنند. موسوی مزد و رنجست و زبیر جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای در آبانماه پیرامون این سیاست ارتجاعی توضیح میدهد: «مانیتوانیم بکارفرما و بخش خصوصی بگوئیم که کارگرت را بیمه کن و در سال فلان مقدار از مرخصی بدو بیا حد اقل حقوق کارگران فلان مقدار باشد» نخست وزیر جمهوری اسلامی اعلام میدارد که در اواخر قرن بیستم خیال دارد، کارگران را تا سطح برندگان نزول دهد. او چنان حرف میزند که گویا کارگران برندگان سرمایه‌دار هستند و

تزازنامه

سرمایه‌دار میتواند با کارگر بمثابه یک مردم رفتار کند. تا جایی که میتواند کارگر را استثمار کند، شیره جانش را بکشد مزد کمتری بیاورد از او. اگر اراده کرد به کارگر مرخصی بدهد و اگر نخواست ندهد بیمه هم که دیگر معنائی ندارد! چون مردم را که بیمه نمیکند، باید تا زمانی که میتواند کار کند و هر زمان هم که مردم آری رژیم جمهوری اسلامی نه تنها کارگران و زحمتکشان را مدام بسوی فقر و مسکنت هولناکی سوق داده است بلکه وقیحانه اعلام میکند که کسی حق ندارد به سرمایه‌دار بگوید "کارگرت را بیمه کن"، و در سال فلان مقدار مرخصی بدو بیا حد اقل حقوق کارگران فلان مقدار بیاشد، اکنون دیگر معلوم میشود که اسلام واقعا حامی چه کسانی است.

اما رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در عرصه اقتصاد بیهامی و ورشکستگی مطلق در جارشده، و توپورها را به فقر و فلاکت فزاینده‌ای سوق داده است، بلکه در عرصه سیاسی نیز ورشکستگی مطلق خود را بنمایش گذاشته است. همان تروریسم برپا در رژیم، همان حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را که در تمام ایران برقرار کرده است کافی است تا ورشکستگی، زوال و ازهم پاشیدگی آنرا نشان دهد.

وقتی که رژیم بمرحله‌ای از در ماندگی میرسد که با ریختن هزاران پاسبان و خبا با آنها میخواهد پایتخت را بزرگان حکومتش را مستحکم کند و قتی که رژیم بمرحله‌ای از زوال و انحطاط میرسد که از فرط پاسبان و نومیدی دست بیه عظیم ترین جنایات میزند و طی یک سال ونیم ۲۰۰۰۰ تن از فرزندان خلق را بچوخه‌ها مدام میسپارد و نزدیک به صد هزار تن را بزندانیان میافکند یک چنین رژیمی در حقیقت امر اعلام ورشکستگی سیاسی نموده است. رژیم که حتی ابتدائی ترین حقوق انسانی را از مردم سلب کرده است. ماد را اینجا از سلب آزاد بیهیای سیاسی سخن نمیگوئیم. چرا که این رژیم شبه فاشیستی ذاتا با آزادی سیاسی دشمنی دارد بلکه سخن بر سر نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی است. رژیم که در ملاء عام شلاق میزند، سنگسار میکند، دست و پا قطع میکند، به آرمی آویزد و در زیر لوای اسلام و با توجیه شرعی سنگسار شکنجه میدهد. رژیم که حتی در

زندگی خصوصی مردم مدام خلع میکند، رژیم که زنان جامعه را از حقوق انسانی خود محروم کرده است. زن را هزار بار پیش از گذشته بهره‌برد میبرد، تبدیل کرد، دست و پا میزند، و خود از طریق صیغه و موازین شرعی اش مبلغ و مروج فحشاء غیر رسمی شده است، رژیم که اقلیتها را مدام بیهی و ملیت‌های تحت ستم را از حقوق خود محروم ساخته و زیرشده بدترین فشار و آزار قرار داده است. زنان حاطه و کودگان خردسال را اعدام میکنند کودگان کم سن و سال را بجنبه جنگ میفرستند و از امید آنها بین عبور میدهد و برایش مهم نیست که هر روز چند صد و گاهی چند هزار تن در میدانهای جنگ کشته میشوند. برآستی که نظیر این سلب حقوق انسانی و این فجایع ضد بشری را شاید تنها بتوان در روزهای سنیاسلطه کلیسا در قرون وسطا پدید آورد و الا در قرون بیستم حتی در میان عقب مانده ترین جوامع نیز نمیتوان نظیر آنرا پدید آورد.

بهررو این اقدامات ضد مکرانیک ارتجاعی و ضد بشری رژیم، در مجموع شد بدترین فشارهای اقتصادی بیه توپورهای مردم، نه تنها موقعیت رژیم را مستحکم تر نکرده بلکه مدام اکثریت عظیمتری از توپورها را بمقابله با آن برانگیخته است، بنحوی که امروز در یکسوی طبقه کارگر، در هفتاد و روشنفکران انقلابی، کارمندان، اکثریت کسبه و پیشه‌وران، دانشمندان، آموزان و دانشجویان، در یک کلام اکثریت مطلق جامعه برای سرنگونی رژیم صف آرائی کرده‌اند و در سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانی بعنوان حامی آن با اضافه یک مشت استثمارگر و نیز در پیوزگان رژیم سرمایه‌داران حزب توپور و پانده‌های خائن اکثریت، این دشمنان سوگند خورده طبقه کارگر که بقا، ننگینشان را در رکوحیات این رژیم میبینند، قرار گرفته‌اند اکنون با ورشکستگی مطلق رژیم در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، شرایط سرنگونی آن بیشتر فراهم میگردد. در چنین شرایطی تضادهای درونی رژیم که روند سرنگونی آنرا تسریع میکند، مدام در حال تشدید شدن است. همین کشمکش که اکنون بر سر مجلس خبرگان و جانشین خمینی خون آشام در جریان است در نظر گیرید: جناحی از هیئت حاکمه میخواهد با انتخاب یک هیئت سه ندره‌ها نفره بجای خمینی موقعیت خود را در رون هیئت حاکمه مستحکم تر کند. بقیه در صفحه ۱۴

شخصه ساختمان تولید اقتصاد سرمایه داری، اجتماعی شدن کار تحت انقیاد مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اجتماعی است. اجتماعی شدن کار در واقع آن سازمان جدید اقتصاد است که نقشی تاریخی دارد و به بخشی از وسیعترین اهالی جامعه یعنی طبقه کارگر، نقشی ویژه و تعیین کننده عطا مینماید. با اجتماعی شدن طبقه کارگر به شاخه نیروی محرک این سازمان جدید اقتصادی دارای رسالتی انقلابی و تاریخ ساز میگردد تا آزادی خویش و جامعه را از قیود مالکیت خصوصی بر ابزار تولید اجتماعی به دست آورد.

پروسه اجتماعی شدن کار

پیشرفت تولید کالای ساده و گسترش آن به تولید مانوفاکتوری و تکامل مانوفاکتوری به تولید کارخانه‌ای یا صنعت ماشینی، پروسه‌ای است که اجتماعی شدن هر چه بیشتر کار را فراهم میآورد.

تولید کالای گهروزی پروزه بازار مصرف خویش را گسترش میدهد و به هیچ مرزی در یافتن بازارهای جدید و ایجاد ضرورت‌های مصرف جدید نمیشناسد، بر اساس افزایش نرخ سود و یا عبارت دیگر، اکتساب هر چه بیشتر ارزش - اضافی، تولید کالاهای بیشتری را موجب میشود. رقابت سرمایه داران در فروش هر چه بیشتر کالاهای تولیدی کسب بازارهای جدید و مقابله با مبارزات کارگری (برای کاهش ساعات کار، افزایش سطح دستمزد ها و غیره) لزوم افزایش بارآوری کار را ایجاد میکند. افزایش بارآوری کار که بر مبنای محرک اساسی سرمایه داری برای تولید کالا، یعنی افزایش نرخ سود استوار است، مالا به افزایش سطح تولیدات منجر میشود. بارشده نیروی بارآوری کار، بر حجم محصولات که مصرف مقداز معینی ارزش و لذت حاوی اضافه ارزش نیز هستند، افزوده میشود (کاپیتال). برای افزایش بارآوری کار و بدست آوردن محصول بیشتر، پروسه‌های مختلف تولید یک محصول کامل تجزیه گشته و تولید یک جزء از یک محصول کامل به تولید جداگانه‌ای تبدیل میگردد. تولید تخصصی و جداگانه هر یک از اجزای یک محصول کامل که در ارتباط با هم صورت میگیرد و نیاز به تولید هر چه بیشتر آن محصولات استفاده از ماشین و ابزار گری هر چه بیشتر تکنیک ماشینی و ابزار آلات پیشرفته را ضروری میسازد. استفاده از ماشین سرعت چشم گیری به تولید هر چه بیشتر محصولات میدهد.

انتخاب

بقیه از صفحه ۹

انگلس در باره تاثیر کارگیری ماشین - آلات پیشرفته در انگلستان میگوید: "اگر در سال ۱۸۲۲ ماشین‌های نسو ظهور بیاری نمی آمدند و محصول پشم سه سال گذشته هر انعی رستند، آنگاه همه محصول مزبور در نتیجه کمبود کارگر میبایستی هنوز بصورت آماد نشده، همچنان بر جای میماند."

راه یافتن ماشین‌های تولیدی به پروسه تولید و آغاز صنعت ماشینی بزرگ و تقسیم شدن و تخصصی شدن پروسه‌ها، مختلف تولید محصولات، که در مجموع تولید هر بخش تخصصی و مستقل برای تامین کل نیاز جامعه صورت میگیرد، به اجتماعی شدن هر چه بیشتر کار منجر میشود. برای اینکه بارآوری کار انسانی که مشا برای تولید اجزای کوچکی از یک محصول کامل بکار برد میشود، افزایش یابد، باید به تولید این جزء کوچک تخصصی شده، به تولید جداگانه‌ای تبدیل گردد که بایک تولید کثیر در رابطه است و از این روستفاد از ماشین و غیره ناممکن (و ضروری) میسازد. این یک طرف جریان است. ولی از طرف دیگر پیشرفت تکنیک در جامعه کاپیتالیستی عبارت است از اجتماعی شدن کار و این اجتماعی شدن، ناگزیر تخصص عملکردهای گوناگون روند تولید و تبدیل آنها را از عملکردهای پراکنده و منفرد که در هر واحد تولیدی مربوطه جداگانه تکرار میشوند، به عملکردهای اجتماعی شده‌ای که در یک کارگاه واحد وجود پیدا میگردند و در رابطه با ارضای خواسته‌های تمام جامعه تنظیم گردیده‌اند، طلب میکند (لنین، در باره اصطلاح مسئله بازار).

پیشرفت تکنیک و بکارگیری ماشین جهت افزایش محصول و بارآوری کار که منتهی به اجتماعی شدن کار میگردد، تقسیم کار را هر چه گسترده تر میسازد. به این ترتیب توسعه اقتصاد کالایی منجر به افزایش تعداد رشته‌های جداگانه و مستقل صنعت میشود، گرایش این توسعه بسوی تبدیل کردن نه تنها هر محصول جداگانه، بلکه حتی هر جزء جداگانه یک محصول و نه تنها ساختن یک محصول، بلکه هر یک از عملیات جداگانه‌ای و نمودن محصول برای مصرف، به یک رشته مخصوص صنعت میباید. در اقتصاد

کالایی واحد‌های اقتصادی نا همگون پیدا می‌گردد و تعداد رشته‌های جداگانه اقتصاد افزایش می‌یابد و تعداد واحد‌های اقتصادی ای که دارای یک واحد یا مشابه اقتصادی میباشند، کاهش می‌یابد. عامل اصلی پروسه‌های این بازار داخلی سرمایه داری، همین رشد تصاعدی تقسیم کار اجتماعی است (لنین، در باره سرمایه داری در روسیه).

تقسیم کار اجتماعی، منجر به جدا شدن تولید کنندگان مستقیم جامعه از تولید بلافاصله نیازهای اجتماعی و روزمره آنان میگردد. بدین ترتیب، تنها هنگامی تولید هر بخش مستقل برای ارضای نیازهای کل جامعه میتواند صورت گیرد که کار نقش اجتماعی یافته باشد. با گسترش تقسیم کار، حیات جامعه مستلزم کار اجتماعی کلیه پروسه‌های تولیدی است که مستقل از هم ولی برای هم صورت میگیرد. از این رو هر چند که در نظر اول تولید یک محصول کامل به بخش‌های مستقل و جداگانه‌ای تجزیه میگردد ولیکن در حقیقت در جهت اجتماعی شدن کار افزایش میدهد.

بدین ترتیب روشن میگردد که پروسه اجتماعی شدن کار صرفانه از آن جهت که افراد زیاد را بصورت کارگر در یک محل بکار و امید آورد، بلکه بیشتر از آن رونیز مورد توجه است که تولید یک محصول کامل مستلزم کار بخش‌های مختلف تولید در سطح کل جامعه است و از این طریق حیات جامعه نیز مستلزم همین کار اجتماعی است و کل جامعه در پیوندی از گانیک با بخش‌های گوناگون قرار دارد. اجتماع شدن کار بوسیله تولید سرمایه داری باید این نیست که افراد در یک محل کار میکنند (این فقط جزء کوچکی از این پروسه است). بلکه راین است که تمرکز سرمایه همراه است با تخصصی شدن کار اجتماعی، با تقلیل تعداد سرمایه دارها در هر یک از رشته‌های معین صنایع و تکثیر تعداد رشته‌های مخصوص صنایع و در این است که عدد زیاد از پروسه‌های پراکنده و تولید در یک پروسه اجتماعی تولید میخفته میشوند. هر چه قدر پروسه‌های تولیدی جداگانه بیشتری از هم میبایند و رشته‌های صنعت تخصصی تر میشوند، تعداد واحد‌های اقتصادی مشابه کاهش می‌یابد. اما نیاز هر بخش اقتصاد را با سایر بخش‌های تولیدی افزونتر میشود. بقیه در صفحه ۱۰

اعتصاب

بقیه از صفحه ۹

طبقات تابع واقعیات جامعه و مناسبات اجتماعی حاکم است. طبقه کارگر بخاطر شرکت خود در تولید جمعی و از آنجا که تقسیم رشته های صنایع، آن کل ارگانیک بهم پیوسته بوجود آورده است، طبقات در شکل متعارف خود نمیتواند جمعی مبارزه نکند. از طرف دیگر از آنجا که طبقه کارگر در نظام سرمایه داری از مالکیت بر ابزار تولید محروم میباشد، در مبارزه طبقاتی سرمایه داری چیزی ندارد که از دست بدهد، بنابراین نمیتواند با شکالی از مبارزه روی آورد که ضربه مستقیم به دشمن طبقاتی خویش وارد آورد. صرف نظر از اشکال عقب ماند ه و ناپخته مبارزه طبقه کارگر مثل برخورد های فردی بکار فرما، شکستن ماشینها و حتی در مواردی کم کاری و... که خود انعکاس مرحله معینی از رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه است، معمولترین شکل مبارزه طبقه کارگر اعتصاب میباشد. اعتصاب در حکم متوقف کردن زنجیر تولید بگرشته تولیدی متجلی میشود. این شکل مبارزه عمدتاً انعکاس تقسیم کار اجتماعی و نقش پرولتاریا در سازمان این تقسیم کار و تمرکز سرمایه میباشد.

کارگران وقتی با دست از کار کشیدن و توقف تولید اعتصاب میکنند، همه سادگی درمی یابند که هر آنچه متحد اعتصاب کنند در مقابل سرمایه دار از چه قدرتی برخوردارند. به علاوه از آنجا که رشته تولید در یک کل ارگانیک، بهم پیوسته است، اعتصاب در هر واحد تولیدی (بهر حسب اهمیت آن) تاثیر خود را بر سایر بخشهای تولیدی میبارد. در نتیجه در قدم بعدی، کارگران درمی یابند که در صورت اتحاد طبقاتی خود و باروی آوردن با اشکال اعتصابی مبارزه از چه قدرت عظیمی در مقابل سرمایه دار برخوردار هستند. زمینه معینی این امر، تولید جمعی کالا در جامعه از سویی و تمرکز سرمایه در دست سرمایه داران، از سوی دیگر است. بدین ترتیب کارگران به نقش اعتصاب بعنوان یک سلاح مبارزه می میرند. همینکه آنها (کارگران) می بینند که هر یک به تنهایی هیچ قدرتی ندارند و در مقابل فشار سرمایه تهدید بد بنا بسوی میشوند،

در خود دارد، بلکه از آن جهت که حجم معینی از کار اجتماعی صرف آن گردید و مطرح هستند. در این مرحله از تولید هرگونه نشانی از نقش فردی یا نوع مخصوصی از کار در محصولات تولید شده از میان برداشته میشود. آنچه که مهر خویش را بر کلیه محصولات و

پروسه های تولیدی میزند نقش اجتماعی کار است. تولید ماشینی بزرگ آخرین حرف سرمایه داری است. آخرین حرف که بیان پیشرفت اجتماعی و سپهر قهقراش آن است.

با تندیل مانوفاکتور به صنعت بزرگ ماشینی، سرمایه داری جامعه را از محیط بسته و محدود بیک کل واحد ارگانیک بدل میسازد و همزمان طبقه ای را سازمان میدهد که این طبقه با کار خویش کل حیات جامعه را تحت الشعاع قرار میدهد. تمام نعمات و احتیاجات زندگی و تولیدات جامعه توسط کار این طبقه بوجود می آید. از سویی تولیدات جامعه در شکل جمعی توسط طبقه کارگر بوجود می آید و از سوی دیگر ارزشهای تولید شده توسط سرمایه داران تصاحب میشود. مالکیت بر ابزار تولید خصوصی باقی میماند و سرمایه هر چه بیشتر متمرکز میگردد و کار اجتماعی شدت بیشتری با مالکیت خصوصی بر ابزار تولید در تناقض آشکار قرار میگیرد. اجتماعی شدن کار منجر به هر چه آشکارتر شدن روابط اجتماعی موجود بین طبقات جامعه شده و ماهیت انگل گونه سرمایه داران را آشکار میکند. نقش حیاتی طبقه کارگر در تولید اجتماعی مشخص گرداند و آنان را به ایفای نقش تاریخی خویش رهنمون میسازد. لنین در این باره میگوید: «همانگونه که مارکس میفهمد در حقیقت کار انقلابی و مترقی سرمایه داری این بود است که همزمان با اجتماعی شدن کار طبقه کارگر را سازمان میدهد، متحد میکند و منضبط میگرداند، از طریق همین مکانیزم آنها را برای مبارزه تربیت میکند. این شورش را سازمان میدهد، آنها را متحد میکند که از مصادره کنندگان مصادره کنند، قدرت سیاسی را بدست گیرند و وسایل تولید را از دست تعداد قلیلی از قاصبین، خارج کنند و آنها را بجامعه برگردانند» (دوستان مردم کیانند).

تضاد بین کار اجتماعی با تمرکز خصوصی سرمایه، اساسی ترین عاملی است که طبقه کارگر را بخاطر اوضاع فلاکت بار معیشتی به میدان مبارزه می آورد. اشکال مبارزه طبقه کارگر نیز

لنین در این باره میگوید: در هر رشته از صنایع که اکنون در بگر جنبه تخصصی آن بیشتر شده است، تعداد سرمایه داران بطرز روز افزون تقلیل می یابد. از این جهت چنین نتیجه میشود که رابطه اجتماعی بین مولدین روز بروز محکمتر میشود.

در یک کل واحد مجتمع میشوند. مولدین کوچک منفرد، در آن واحد هر کدام چند عمل انجام میدادند و بهمین مناسبت نسبتاً از یکدیگر مستقل بودند. مثلاً اگر پیشه ور خودشان کتان میکاشتند، خودشان نخ ریسی میکرد و می بافت، این شاخصی تقریباً از سایرین مستقل بود. و اما در شرایط اجتماعی شدن کار که در اثر سرمایه داری بدست آمده است - اوضاع بکلی شکل دیگری بخود میگیرد. کارخانه در تولید کنند پارچه وابسته به کارخانه در تولید کنند نخ است، کارخانه در اخیر وابسته است به سرمایه دار کشتکاری که پنبه کاشته است و نیز به صاحب کارخانه ماشینی سازی و صاحب معادن ذغال سنگ و غیره و غیره و نتیجه حاصله این میشود که هیچ سرمایه داری نمیتواند از سرمایه داران دیگری نیاز باشد. بدین طریق جمع تولید بحد در یک

پروسه تولید اجتماعی واحد مجتمع میگردد و حال آنکه هر تولیدی بتوسط یک سرمایه دار جداگانه اداره شده تابع اراده مطلق اوست و محصولات اجتماعی را در مالکیت شخصی او قرار میدهند. (دوستان مردم کیانند)

با اجتماعی شدن کار و تقسیم شدن تولیدات به رشته صنایع تخصصی و بکارگیری مجموعه ای از ماشین آلات پیشرفته در تولید، نیاز به مهارتها و تجربه استادکاران همه فن حریف از بین میرود و جای خود را به تخصصی شدن کار میدهد. کارگران را از مناسبات و روابط سنتی گذشته خود جدا کرده و آنان را در زیر سقف

کارخانه ها مجتمع میسازد. طبقه کارگر، قدم قدم، از رسومات گذشته خود میبرد و اما در عهد پرش فرهنگ نویسی میگردد. به علاوه با اجتماعی شدن کار و تخصصی شدن رشته های تولید، پس از این، کالای تولید شده دیگر شمره کار مشخص رشته معینی از تولید نمیشد، بلکه کالای تولید شده شعره کار اجتماعی به مفهوم عام کلمه در سطح جامعه میشود. کاربرد آن درجه اجتماعی میشود که محصولات تولید شده، هنگامیکه به بازار می آیند، نه از آن جهت که نوع بخصوصی از کار را

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

خطاب به مبلغین

۷

شناسایی مردم

در شناسایی مردم عوامل ثابت محیط پخش بطور کامل مورد بررسی و شناسایی قرار میگیرد - خیابانها، کوچه‌ها، دست اندازها، راههای فرار، مکانهایی که به محل پخش مسلط است یا ساکها، کمپته‌ها و سپاه، خرابه‌ها و محللهای احتمالی جهت مخفی شدن و... تمامی عوامل محیطی بدقت مورد شناسایی قرار میگیرد - شناسایی مردم در هر ساعتی از روز قابل اجراست.

شناسایی زنده: در شناسایی زنده عوامل متغیر محیط پخش مورد بررسی و شناسایی قرار دارد. اولین کار در مورد شناسایی زنده بررسی محیط در ساعات مختلف و انتخاب وقت مناسب پخش است در این رابطه فاکتورهای متفاوتی عمل میکند. مثلا برای پخش در جلوی یک مدرسه مسلما تنها ساعات مناسب موقع ورود دانش آموزان یا خروج آنها و یا احوالنازنگ تفریح است (که از بالای دیوار به داخل مدرسه ریخته شود) در این رابطه تنها امکان انتخاب مابین دو ساعت ورود و خروج است که باید در نظر گرفت آنکه دانش آموزان در هنگام ورود به مدرسه امکان بردن اعلامیه به داخل راه شکل محدودی دارند در صورتیکه پس از خروج اعلامیه را به میان خانواده خود نیز میبرند وقت خروج انتخاب میشود. یاد در رابطه با کارخانه‌ها نیز همینطور اما در رابطه با پخش در یک محله امکان انتخاب گسترده‌ای موجود است که باید در نظر گرفت سایر عوامل موجود مثل شلوغی و رفت و آمد، گشتی‌های مزدور رژیم، امکان خروج از محله و امکان توجیه حضورمان در محل و... باید وقت مناسب انتخاب شود. بهر صورت پس از انتخاب ساعت مناسب جهت پخش بقیه شناسایی زنده هرآنچه انجام میدهم قابل تاکید است که شناسایی زنده باید در همان ساعت پخش (در روزهای قبل از پخش) انجام شود. در شناسایی زنده صرفت و آمد ها، ترافیک ماشینها، گشتی‌ها، دستفروشها، دوره گرد ها، قشر بندی افراد موجود در محیط و سرو وضع ظاهری آنان و... تمامی عوامل موجود در محیط بدقت مورد بررسی قرار میگیرد. با این معلومات برنامه ریزی دقیق پخش انجام میشود. شناسایی باید توسط خود رفقای تیم پخش انجام شود.

توجیهات کامل را برای دستگیری یا گشت احتتمالی فراهم کنید این توجیهات عبارتست از اسم و فامیل، آدرس منزل، در صورت شاغل بودن نشانی محل کار، نوع کار، به کجا میروید، چرا میروید، از کجا می آید... داشتن توجیهات مهمترین مساله امنیتی قبل از حرکت است. همانطور که قبلا ذکر شد داشتن توجیه عملی دائمی است و ویژه پخش نمی باشد و برای تمامی حرکات از جمله شناسایی نیز مورد لزوم است. در این میان به توجیه علت حضور در منطقه باید توجه

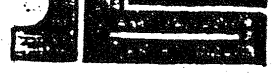
بیشتری نمود زیرا اولین مورد سوال خواهد بود و در صورتی که علت قابل قبولی ارائه نشود سریعاً شك ایجاد میشود توجیه علت حضور باید با آدرس محل زندگی هماهنگی داشته باشد زیرا اگر فیکس در روزها رخاورد می شود به خرید میروند اما در شب منزلتیش را در خیابان تاج بدهد طبیعتی نیست مگر آنکه آدرس توجیهی بیکی از شناایان یاد و ستانمش را در همان حوالی بدهد یا بد نبال خرید ویژه ای باشد که بیشتر در آن منطقه یافت میشود مثلاً در میدان حسن آباد مرکز فروش کاموایا وسایل آشپزخانه است و میتوان مدعی خرید این اجناس شد. همچنین مطب در کتورشخصی را در نظر قرار د هید و به قصد رفتن به آنجا در محل توزیع حرکت کنید اینگونه توجیهات عمدتاً در روز مناسب است و برای شب باید توجیهات دیگری یافت.

مناسب باشیوه لباس پوشیدن مردم منطقه توزیع وضع ظاهری خود را انتخاب کنید این مورد در باره رفقای دختر بیشتر باید رعایت شود فعلا چادر بهترین پوشش است اما آن نیز در تطبیق با محیط مناسب است.

با اطلاع رفیق هم هسته، هم اتاق با مسئول خود محلی را برای گذاردن علامت سلامت تعیین کنید. بعد از پایان توزیع باید در آن محل علامت تعیین شد را بزنید، اگر علامت زده نشد یعنی دستگیر شده‌اید. در صورتیکه آدرس پاکسی برای ورود و برودن با مزدوران ندارند میتوانید با هم اتاق یا خانواده خود در صورت اطلاع از وضع شما قرار بگذارید که اگر تا ساعت مشخصی برنگشتید باید خانها را کاملاً پاک کنند و غیر اینصورت رفیق هم هسته... بعد از زدن علامت سلامت باید اقدامات لازم را در جهت پاک کردن منزلتان بعمل آورد. نداشتن آدرس اینک بزرگترین جرم است از این رو بکوشید حتی الامکان آدرس جهت ارائه داشته باشید.

در تمامی شیوه‌های پخش بخاطر داشته باشید هرگاه خطری ایجاد شد امکان تعقیب، امکان دستگیری، خیابان گردی و... اولین عمل که باید در موقعیت مناسب با تصمیم سریع انجام شود در زدن اعلامیه‌ها، زخود است. اگر با صو توریید در سرا اولین پیچ، اگر پیاده‌اید در پس اولین دیوار اعلامیه‌ها را از خود دور کنید.

مساله دیگری که در تمامی شیوه‌های توزیع مشترك است عمل شناسایی نهایی است. شناسایی نهایی یعنی باز دید مجدداً محل و کنترل وضع موجود با شناسایی‌های انجام شده همواره باید قبل از پخش (مثلاً یک ربع یا نیم ساعت قبل) محل را دوباره از نظر موقعیت کنترل کرد تا احوالنا حوالتی چون ماشین گردی و... بقوه در صفحه ۱۲



خطاب

بقیه از صفحه ۱۱

بصادف و اجتماع مردم، دزدی از يك خانه و حضور پلیس، كندن یکی از گوجه ها و... باعث نشد مباحثه در شناسایی تغییر نماید و پخش عوض شود در شناسایی نهایی در صورتیکه فاکتورهای تغییر کرد بود که امکان عمل پخش با کمی تغییر موجود است (مثلا کوجه راه فرار را کند هاند اما کوجه پهلوی آن دارای وضعیت مشابه است) پخش انجام میشود در غیر این صورت پخش انجام نخواهد شد (مثلا حضور پلیس در محیط و...)

عمل توزیع: در رابطه با شیوه های توزیع به طرح چند شیوه توزیع مخفی میبرد ازیم. پارک بیکر تا کید می کنیم که این تمام ماجرا نیست بکارگیری ابتکار و خلاقیت در این مورد قادر خواهد بود شیوه های بسیار متنوع و قابل استفاده ای را در شرایط مشخص ایجاد نماید.

۱- توزیع از طریق پست: در شرایط کنونی بکارگیری پست (بخصوص پست شهری) جهت ارسال بیانیتهای سازمانی (در اینجا هرگاه سخن از بیانیتهای منظره اعلامیه، تراکت و هر متن تبلیغی دیگر است) برای کارگران و زحمتکشان یکی از پر شعرتین و کم خطرترین شیوه ها است. این امر هر گاه بشکل برنامه ریزی شده و مستمر انجام شود. قادر است به تیراژ بسیار وسیعی دست یابد. اولین گام در این شیوه شناسایی آدرس کارگران و زحمتکشان است. در ابتدا می گوییم آدرسها را از میان محلات کارگرنشین و زحمتکش نشین برگزینیم اما در مراحل بعدی با شناسایی های دقیق تر سعی می کنیم در عین دادن اولویت به کارگران در مورد سایر اقشار توده های اولویت رابه جوانان و آنان که مخالف رژیم هستند بدویم. در این شیوه باید با بکارگیری برنامه ریزی شده نیرویمان در آن جهت بکوشیم که به صد ها آدرس از کارگران و زحمتکشان دست یابیم و قادر باشیم صد ای سازمان را از این طریق با سرعت بگوش آنان برسانیم. برای شناسایی آدرس ابتدا محلی را از نظر قشر بندی ساکنان محل انتخاب میکنیم سپس کافیسیت نام خیابانها و کوجه های آن محل را به همراه شماره پلاکهای کهر هر کوجه موجود است داشته باشیم مثلا کوجه گلشن از پلاک ۳۲ تا ۸۶ را در است و... مرحله اول شناسایی تا همین جا ختم میشود. در عین حال میتوان آدرس های کارگران کارخانه، کارمندان اداره و... را با شیوه های مختلف (و از جمله تعقیب آنها) به دست آورد مسلما این شناسایی ها که بیاننام فامیل همراه است کامل تر و کار آتر است. در عین حال که میکوشیم محلات مختلفی را شناسایی کنیم جهت جلوگیری از لورفتن باید ضوابط زیر را بکار بندیم.

۲- بکاره باریک محله را شدیدا افزایش ندهید مثلا یکباره برای محله مختاری در هفته ۲۰۰ اعلامیه

نفرستید زیرا تغییر رنگهائی حجم پست امکان لورفتگی را افزایش میدهد. - برای يك خانه در صورتیکه تعدد اعلامیه ها زیاد است (مثلا هفته ای یکبار) بشکل متناوب اعلامیه ها ارسال کنید زیرا بخصوص در محلات زحمتکش نشین تعدد آدرس زیاد پست غیر عادی است - از پاکتها و دستخط های متنوع و حتی شیوه نگارش آدرس و جیب بندی تمبر متنوعی استفاده کنید - پاکتهای مربوط به يك محله را در صندوقهای پستی متفاوت و در روز هم ببندید.

برای ارتباط هر چه نزدیکتر با زحمتکشان میتوان در روزهای ویژه ای چون عید، سالروز قیام و... کارت و بیانیتهای تبریک برای آنها ارسال کرد و یا بمناسبت سالروز یا چهلم شهادت انقلابیونی که شهرت عمومی دارند یا هم محل وهم کنار دریافت کنند هاند تجلیل نامه کوتاهی فرستاد و...

۲- توزیع از طریق نیروهای واسط: میتوان با شناسایی نیروهای که تشخیص میدهند آدرس ظرفیت پخش هستند تعدد آدی بیانیتهای بصورت غیر مستقیم در اختیار آنان قرار بدیم. این شیوه در مقوله توزیع بین نیروهای پیشرو شرح داد شد تنها باید توضیح داد که در اقشار میانی توده ها نیز نیروهای مخالف رژیم قادر به انجام این عمل هستند جهت این امر ۳الی بیانیتهای همسراه رهنمود بسیار مختصری در مورد لزوم پخش بیانیتهای بهر طریق ممکن، در خانه آنها انداخته شود یا برایشان ارسال گردد.

اگر این شیوه و شیوه توزیع پستی بشکل وسیع سازمان نیافته بکار گرفته شود از یکسو تیراژ وسیعی از بیانیتهای سازمانی بدست توده ها میرسد و از سوی دیگر رژیم قادر نخواهد بود هر کس را بخاطر داشتن يك اعلامیه دستگیر نماید و داشتن يك بیانیتهای لیک بر ارتباط تشکیلاتی بداند.

۳- توزیع پیاده: این نوع توزیع را میتوان به شکل جمعی و در صورت عدم امکان بشکل فردی انجام داد. در توزیع یکنفره رفیق توزیع کننده خود وظایف حمل اعلامیه و توزیع و مراقبت را به عهده دارد. در توزیع و نفره يك رفیق مسئول حمل و پخش اعلامیه و رفیق دیگر مسئول مراقبت است. در صورت وجود يك تیم سه نفره رفیق سوم انبارد آرویا حمل کنند و اصلی اعلامیه خواهد بود. در صورت وجود تیمهای منسجم و با تجربه بکارگیری حمایت و مراقبت مسلحانه در توزیع ضروری است که در این شرایط عموما رفقای مراقب مسلحند.

انبارد آرو رفیقی است که اعلامیه ها را نگه داشته حمل و نقل میکند. انبارد آرو مسير رفیق توزیع را طی نمی کند بلکه تنها هر مدت یکبار در سر قرارهای مشخص اعلامیه های جدید را به رفیق میدهد. در عین حال انبارد آرو شخص توزیع کننده همواره قرار ثابتی در محلی در وتر از محیط پخش دارند تا در صورت کم کردن بکند بگردن آنها همدیگر را ببینند و حرکت را ادامه دهند. اعلامیه های که در نزد انبارد آرو است باید تا شده و کاملاً آماده پخش باشد اعلامیه ها باید در جاسازیهای مطمئن و کاملاً طبیعی (در بدن و یا در یگرو سایل) قرار داشته

خطاب

بقیه از صفحه ۱۲

باشد . رفقای د ختربعلت پوشش های مناسب تر و توجیها ت مختلف برای حمل بسته و کیف و سناك برای انبارد اری مناسب ترند . انبارد اری باید قبل از رسیدن به سر قرار اعلامیه های را که باید به رفیق توزیع کنند مبد هد امد مسازد تارد و بدل کردن در لو تاهترین زمان انجام شود . رفقا باید با هم علامتی را (مثل خاراندن سر) قرار بگذازند تا در صورتیکه اعلامیه های قبلی به هر دلیل پخش نشده بود و لزومی به هر د و بدل کردن اعلامیه نبود رفیق انبارد اری باید آن علامت د یگر با رفیق توزیع تماس نگیرد و قرار بعد ی را اجرا نماید .

توزیع کنند مه باید زبردستترین و ورزید هترین رفیق تیم باشد که از تحرك بدن و سرعت انتقال بیشتری برخوردار است . توزیع کنند ه حتی الامکان باید از نظر محل زندگی در اری مناسب ترین توجیه بود ه محل زندگی اش گاملا پاک باشد .

در توزیع های ویژه که لازم است اعلامیه زیاد ی پخش شود اما رفیق انبارد اری وجود ندارد میتوان از انبارهای طبیعی در محلات چون کنار خرابه ها ، داخل ظرفهای زیاله ، درون جعبه های مجاله شده در کنار خاکروبه ها و . . . استفاد ه کرد .

مراقب ، رفیقی است که از فاصله معین محیط را زیر نظر دارد و در صورت ایجاد خطر با علامتی که از قبل مشخص شده (سرفه ، سوت و . . .) به توزیع کنند ه خبر میدهد . در شرایط کنونی برای شکل حرکت مراقب و توزیع کنند ه نمیتوان قواعد کلی طرح کرد میتوان رفیق مراقب در حکومت فاصله چند متر حرکت کند و بدن خود را حائل سازد رفیق پخش در پشت سر او اعلامیه ها را در منازل ببندد از (در این شرایط اگر مراقب رفیق د ختری یا چادر باشد مناسبتر است) این شکل عمل برای کوچه های بن بست بسیار مناسب است (پخش از ته کوچه شروع میشود) شیوه های د یگری نیز برای پوشاندن يك کوچه موجود است مثلاً د رفیق از د سر کوچه شروع به پخش میکنند در صورت بروز خطر برای یکی از رفقا بسوی رفیق د یگر میروند و با هم فرار میکنند . یا از وسط کوچه از هم جدا میشوند بسرعت تاتسه کوچه حرکت میکنند و سپس پخش را بسوی هم آغاز می کنند و . . . این شیوه ها به ابتکارات و ویژگیهای مشخص محل بستگی دارد . در صورتیکه پخش محلی الزاماً برای انداختن در خانه ها پیاد ه صورت بگیرد اگر رفیق مراقب موتور سوار باشد جهت فرار دادن رفیق پخش بسیار مناسب است .

در رابطه با حمایت مسلحانه رفیق یا رفقای مراقب مسلح خواهند بود رفقا در این شرایط در عین ایفای نقش مراقب در صورت بروز خطر ابتدا طرح فرار را اجرا می کنند یعنی رفیق توزیع فرار میکند ، رفیق مراقب در عین حمایت از او سعی

میکند از محیط خارج شود در این شرایط (که هنوز خطر کاملاً جدی نیست) د رگیری الزامی نیست . در صورت بروز خطر جدی یعنی سوال و جواب از رفیق توزیع یا ایست دادن به او . . . رفیق مراقب چون در فاصله د ورتری است کاملاً دارای آزادی عمل است تا بهترین موقع د رگیری را انتخاب نماید تا بتواند مزدور ان را کاملاً غافلگیر سازد رفیق توزیع باید بر حسب شرایط فرار نماید و یا به مصاف مسلح مزدور ان و تند او د رگیری بپردازد . در مراقبت مسلحانه گاملا باید دقت نمود تا د رگیری غیر لازم پیش نیاید . مثلاً فالانژیا شخص متعصبی جلوی رفیق را میگیرد که با احتی میتوان با توجیه ، حروبحت و یا حد اکثر د نيك ضربه و فرار ساله را حل کرد در این شرایط د رگیری گاملا غیر ضروری و غلط است . در مراقبت مسلحانه از پخش پیاد ه رفقا عموماً کافس است به سلاح کمرب و نارنجك (در صورت نبود نارنجك سلاح کمرب کافست) مسلح باشند . رفقای مسلح باید گاملا تعلیم دیده و کارآموز مه باشند .

۴- توزیع موتوری : جهت توضیح این شیوه بهتر د بدیم خلاصه ای از جزوه توزیع موتوری را که توسط حوزه ای از تیمهای پخش موتوری سازمان با تکیه بر تجارب طولانی در این امر تهیه و تدوین شده است را نقل کنیم . در این رابطه حتی مواردی چون شناسایی راه رچند قبلاً توضیح داده ایم بعلمت استناد به وجوه مشخص آن در این جزوه نقل مینماییم

" شیوه پخش موتوری یکی از اشکالی است که میتوان در شرایط حاضر از ان سود جست . این شیوه که از تحرك فوق العاده ای برخوردار است میتواند شکی از حرکت باشد که در صد خطر را به مراتب کمتر کرد ه و هر چه گسترده تر پخش نماید . این شیوه یکی از طرق حرکتی است که در گذشته یعنی قبل از قیام د ر بر نامه سازمان بود ه و این وظیفه مهم را چریکهای شهری به عهد می گرفتند . تجربیاتی که از این شیوه پخش بدست آمد ه نشاندهنده باز د هی فراوان ، خطر کم استفاد ه از کمترین افراد و سریع بودن ان میباشد . وقتی پخش انجام میگردد هنوز کسی متوجه پخش نشد ه رفقای ما محل پخش را ترك کرده اند (در جلوی بعضی از کارخانه ها که افراد مسلح هم وجود داشته در موقع پخش بعلمت سریع بودن حرکت آنها هیچ عکس العملی نداشته اند) .

مشخصات يك هسته موتوری : هسته موتوری از د و نفر تشکیل میشود هسته برای پخش احتیاج به يك موتور دارد . موتور هوند ا ۲۵۰ کار بعلمت جهش خوب و د ار بودن سوپاپ (که در تابستان گرم نمی کند) مناسب است . هر يك از رفقای هسته موتوری باید مشخصات زیر را در اری باشند - هر د و رفیق موتور سواری را خوب بلد باشند - از لحاظ تحرك بدنی آمادگی کافی داشته باشند . - از لحاظ مسائل امنیتی تصفیه و د یگر موارد را بلد باشند . - رفقای هسته باید تا حد ممکن بتوانند خونسر د ی خود را حفظ کنند (این مساله در موقع پخش میتواند کمک بسیار زیادی نماید چون در موقع پخش امکان تصادف ، گیر کردن در راه بند ان ، یا تعقیب شدن توسط موتور و ماشین وجود دارد و اگر رفقا در آن لحظات نتوانند خونسر د ی خود را حفظ کنند باعث دستگیری آنان میشود .)



ترازنامه

بقیه از صفحه ۸

حنا حی و دیگر میخواهد با کار در ن امثال منتظمی بجای خمینی بر حناح دیگر فائق آید ، اولی خواستار تشکیل هر چه فوری تر مجلس خبرگان و حائشینی خمینی است ، دومی در تلاش برای به تعویق انداختن آن است ، تهدید آن به یک نهاد هیچگاره رژیم است . بهر حال تردیدی نیست که با گسترش نارضایتی و اعتلاء مبارزات توده های این تضاد ها نیز مدام تشدید

خواهد شد . رژیم و شکسته و در مانده جمهوری اسلامی که با بحران اقتصادی و سیاسی موجود خود را در یک مخمصه عظیم گرفتار می بیند ، تنها راه چاره خود را در ادامه جنگ و تلاش در جهت انحراف توجه توده ها و بحران سیاست خارج از مرزها ، با توسل به سیاست کشورگشایی و توسعه طلبی و ایجاد یک دولت دست نشانده متمرکز نظیر خود شی در عراق ، یافته است . اما این نیز دیگر کار ساز نیست . هر چه جنگ بیشتر ادامه پیدا کند ، رژیم بیشتر در منجلاب سقوط فرو خواهد رفت . چرا که توده ها از جنگ بیزارند ، آنها

طالب صلح اند ، توده ها از اختناق نفرت دارند ، آنها خواستار آزادی هستند . توده ها از فقر ، بیکاری و گران شدن آید ، آنها خواستار کار ، ارزانی ، رفاه و بهبود شرایط مادی خود هستند . اما صلح ، آزادی و رفاه اجتماعی تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق میسر است . کارگران و دهقانان و تمام نیروهای انقلابی جامعه تنها یک راه برای نجات جامعه از فجا بیی که رژیم به بار آورده است در برابر خود دارند و آن سرنگونی قهر آمیز رژیم جمهوری اسلامی است . هیچ راه و چاره دیگری وجود ندارد .

سرمایه داری وارد آورد .

بر پایه این تاثیر عمومی و گسترده اعتصاب بعنوان سلاح پرولتاریا ، میتوان به نقش آن در تعمیق بحرانهای سرمایه داری پی برد . اعتصابات که خود منتج از نارسائی ها و بحرانهای نظام سرمایه داری است ، بنوع خود بحرانها را شدت میبخشد . ارتباط بخشهای تولیدی جامعه بیکدیگر ، باعث میشود که وقوع هر اعتصاب در هر بخش ، سایر بخشها را در آن درگیر سازد . سرمایه داران را بهم نزدیک کرده و طبقه کارگر را که در پروسه مبارزه به گزوم واحدیت خویش پی برد ، منسجم

اعتصاب

بقیه از صفحه ۱۰

دست بشورش جمعی علیه کارفرمایان میزنند . از اینجا اعتصاب کارگران شروع میشود . (لنین ، در باره اعتصاب) . طی یک سلسله از اعتصابات ، پرولتاریا به برنده گسی کارآئی و اهمیت این سلاح مبارزاتی واقف میشود . اعتصاب کارگران که بر زمینها را اجتماعی شده ، انعکاس عمومی می یابد ، چون سلاحی برنده ، میتواند ضربات اساسی بنظام

سترو متحد تر گرداند . بدین ترتیب ، مبارزات مستقل کارگری و خصوصاً اعتصابات ، مناسبترین محل برای ورود آگاهی سوسیالیستی بدرون طبقه کارگر و مسلح شدن کارگران به آگاهی طبقاتی است . اعتصاب به مثابه "مدرسه جنگ" به طبقه کارگر اصول جنگ را آموزش میدهد . پرولتاریا که میخواهد به جنگ قطعی با نظام بهره کشی سرمایه داری برود ، بدون شک باید به آگاهی طبقاتی دست یافته و قوانین جنگ طبقاتی و رهبری آنها را بیاموزد . اعتصاب ، مناسبترین و طبیعتی ترین بستر برای آماده شدن پرولتاریا برای جنگ است .

خطاب

بقیه از صفحه ۱۳

رهنمود : رفقای هسته میتوانند برای آماده شدن چهار لحاظ موتور سواری و وجه قدرت بدنی تمرینات زیر انجام دهند . با موتور خیا با آنها شلوغ بروید و از بالای ماشینها عبور کنید و سعی نمائید پایتان را بر زمین نگذارید (مثلا قرار بگذارید مدت ۳۰ دقیقه موتور بزنید بدون آنکه توقف کنید) . د و نفری در نبال یک اتوبوس بروید و طوری سرعت را تنظیم کنید که رفیق پشت سرتواند نیم خیز شود و بسته فرضی اعلامیه را بداخل اتوبوس بیندازد . از نظر بدنی رفقا باید بتوانند خوب بدوند و باید بطور منظم ورزش کنند . از نظر بدنی رفقا باید آنقدر آمادگی داشته باشند که بتوانند سه عمل زیر را خوب انجام دهند ، خوب بدوند ، خوب بدوند ، خوب بدوند .

موارد چگونگی پخش بوسیله هسته موتوری :
(۱) پخش کارخانه : پخش کارخانه معمولاً به این صورت است که رفقا با موتور از جلوی در کارخانه (و یا نزدیک آن) رد میشوند و پس از پخش در بین کارگران از محل خارج میشوند خود عمل پخش شاید سه الی چهار دقیقه (معمولاً یک دقیقه) طول بکشد برای اینکه پخش دقیق باشد باید مسائل فراوانی را در نظر داشت . برای توضیح این مسائل عمل پخش را به سه مرحله تقسیم میکنیم . الف - مراحل پیش از پخش ب - مراحل پخش ج - مراحل بعد از پخش .

الف - مراحل پیش از پخش خود شامل شناسایی و کشیدن گروکی ، بسته بندی و تراز کردن اعلامیه ، آماده کردن بسته برای پخش میباشد . شناسایی و کشیدن گروکی : این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است و تا حد ممکن باید دقیق باشد . شناسایی باید آنقدر دقیق باشد که وقتی کسی آنرا مطالعه میکند احساس کند که خودش محل را دیده است . در شناسایی محل پخش باید د وساله مورد توجه قرار گیرد ، موقعیت مکانی : محل در کدام منطقه قرار دارد ، راههای ورود و خروج منطقه چگونه است (به گوشه های بن بست توجه شود) ، درهای ورودی کارخانه کدام است (از کدام در پخش بهتر صورت میگیرد و میتوان بهتر از محل خارج شد) ، در محل کمیته یا مقر نیروهای دولتی وجود دارد ، برجهای مراقبت کارخانه در کجاست ، موقعیت زمانی : بعد از بررسی موقعیت مکانی منطقه (که میتواند در هر موقعی انجام شود) نوبت بررسی محل در زمان پخش میرسد ، بهترین ساعت برای پخش چه موقع است ؟ ، مثلاً کارگران از ساعت ۲ تا ۲/۵ از کارخانه خارج میشوند باید ساعتی را انتخاب کنیم که از در حمام در محل پخش از هر زمان بیشتر باشد و امکان پاره شدن و هدر رفتن اعلامیه ها به حداقل برسد . معمولاً این ساعت در دقایق اولیه خروج کارگران انتخاب میشود و گرنه اکثر آنها از محل خارج شده موفق به دیدن اعلامیه نمیشوند . - باید محل از نظر امنیتی دقیقاً بررسی شود

توضیح و پوزش درباره مقاله

اعتصاب عمومی سیاسی

در قسمت آخر مقاله "اعتصاب عمومی سیاسی" که در شماره ۱۵۹ نشریه بجای رسیده، متأسفانه بعلمت پارهای اشتباهات جدی، متن مقاله بشکلی جا بجا شده و در هم منتشر شده که عملاً مطالعه آنرا غیر ممکن ساخته است. از همین رو، ما ضمن پوزش فراوان در اینجا بخشی از متن قسمت آخر مقاله مذکور را که حاوی اشتباهات فوق الذکر بوده مجدداً به چاپ میرسانیم.

نحوه طرح شعارها و مطالباتی که از چارچوب نظم موجود خارج شد

مطالباتی که از چارچوب نظم موجود خارج شد، هم منعکس کنند بخشی از محتوای نظام آتی است، دارای اهمیت اساسی و بالاتر دید در پیشبرد انقلاب در راستای منافع تاریخی کارگران و زحمتکشان میباشد. ترویج اینگونه شعارها که در حین مراحل از پیشرفت مبارزه و اعتصابات میتواند بعنوان رکن مهمی از مطالبات تودهها در آید، امری ضروری است و طرح اینگونه خواستهها نظیر شور و آواکنترل کارگری بعنوان شعارهای مستقل پرولتری مبارزه کارگران را از حالت صرفاً نظری شرایط موجود و تعدیل استثمار که میتواند از طرف طبقات و اقشار غیر پرولتری نیز عنوان شود، خارج میکرداند. خط مشی مستقل کارگری را در اعتصابات به پیش برد و تودههای کارگر را بعنوان یک طبقه با برنامه سیاسی - اجتماعی مشخص خویش متشکل مینماید. بهی شک ترویج این خواستهها همیشه در برنامه نیروی سیاسی طبقه قرار دارد، اما زمان مطرح کردن آن، بعنوان یک مطالبه که اعتصابات را به پیش راند به مرحله مبارزاتی بستگی دارد. عنوان نمودن زود رس این مطالبات، تنها میتواند پیشرو کارگری را در بر بگیرد. حال آنکه در اینجا بحث درباره مطالبات و اعتصابات عمومی سیاسی است و نمیتوان فقط به این بخش از کارگران تکیه کرد.

این امراد ممکنست از طرف عده ای بها گرفته شود که اینگونه مطالبات (شورا، کنترول کارگری و...) تنها در نظامی نوین تحت رهبری طبقه کارگر قابل تحقق است و عنوان کردن آن در حال حاضر که مبارزات در چهارچوب سرمایه داری جریان دارد، غلط و توهم زا است. البته این کاملاً درست است که کنترول کارگری و نظایر آن جز در حکومتی تحت رهبری پرولتاریا نمیتواند اعمال شده و باید آرمانند. اما این بهیچوجه وظیفه شناسایی محتوای نظام نوین را در حین مبارزات و ترویج پلانقطاع آن را از زمین نمیرود و یا وقتی

کهنودها با ضرورت شوراها بی میبزند، وقتی که کنترول کارگری (هر چند محدود و هر چند موقتی) در کارخانه هائی اعمال میشود، (تجربیات سال ۵۷ و پس از قیام)، وظیفه پیشرو این نیست که بعد لیل تا صبح بودن و موقتی بودن این گونه مطالبات، توده ها را از آن دور گرداند. برعکس، وظیفه پیشرو این است که همین مطالبات را تبلیغ کرده و هر چه بیشتر توده های گرداند، و در ضمن تجربه های روزمره، علل نا پایداری بعمل در آوردن این مطالبات را در چارچوب نظم موجود، توضیح دهد و ضرورت شکستن این چارچوب و ضرورت رهبری پرولتاریا را در انقلاب به توده ها بشناساند. این امر درست است که کمونیستها در صدرا اختراع یا تحصیل اشکال نوینی از مبارزات نیستند ولی آنها هر جا که زمینه های ظهور نطفه های اشکال متکامل تری را تشخیص دهند بر آنها باید تاکید ورزید.

اکنون، با تجربه هائی که از عملکرد شوراها، کنترول کارگری و... توده ها در جریان مبارزات خود کسب کرده اند، اینگونه مطالبات چیزی در دست نیستند، مطالباتی هستند که در مراحل اولیه رشد اعتصابات خود را نشان خواهند داد. بنابراین باید در این مرحله از خیزش توده ها که فراموشد، شعارهای اثباتی که محتوای نظام آتی را در خود منعکس میسازد و اکثریت توده کمونیستها را از اکثریت توده بگرجریانات متمایز میسازد، بعنوان امری حیاتی در پیشبرد انقلاب، به شدت و با پشتکار تبلیغ و ترویج گردد.

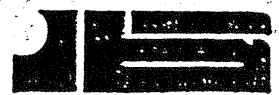
۵- لزوم رهبری پرولتاریا در قطعیت بخشیدن به انقلاب؛ برای به هرز رفتن مبارزات و اعتصابات کارگری و عدم تعمیم آن از منافع بورژوازی و خرد بورژوازی، لزوم رهبری پرولتاریا با ضرورت می یابد. تجربه سال ۵۷ نشان داد که اگر چه اعتصابات در کنترول رهبری پرولتاریا خرد بورژوازی جنبش نبود و مطالبات مستقل کارگری، بویژه، در مراحل تکاملی جنبش توده ها شکل گیری کرد و بود و با خواسته های آن رهبری در تضاد قرار داشت، لیکن از آنجا که این اعتصابات و مبارزات تحت رهبری سیاسی انقلابی نیروهای پرولتری قرار داشت، سرنگونی رژیم شاهنشاهی، استقرار جمهوری

اسلامی را در پی داشت. تعداد اوام اعتصابات پس از برقراری حکومت جمهوری اسلامی، در قیقا تضاد بارور شده و در دوره قبلی را آشکار گردانید، اما توان اعتصابات در آن دوره - نتوانست در جهت اعمال با پیدار مطالبات کارگران و توده های زحمتکش قرار گیرد.

از سال ۵۷ به اینسو، توده های کارگر در مبارزات آبدید متر شده و آگاهی طبقاتی آنها به اندازه دهها سال کار آراغ، ارتقاء یافته است. از طرف دیگر، خرد بورژوازی سنتی که در آن زمان وسیعاً در جنبش شرکت داشت و تا حدودی آغازگر آن بود بهیچوجه توان مبارزاتی سابق را در انمیا شد (علل آن در اینجا مورد نظر نیست)، بنابراین شرایط جدید، زمینه های عینی

رهبری طبقه کارگر را پیش از هر زمان دیگر رخود نهفته دارد، اگر چه ممکن است که در سطح قضا یا نمایان نباشد. اگر تا سال ۵۷، دانشگاه و بازار بعنوان کانونهای مبارزاتی خود را شناساند، اکنون، کارخانه قلب تپنده و انقلاب است.

البته در پاسخ این سخن مامکن است گروهی با برخوردی ایستا به مبارزه طبقاتی و روند آن، امر رهبری پرولتاریا را در انقلاب کنونی بسخره گیرند و بگویند: طبقه آمار کی ندارد، سازمان ندارد، هر اعتصاب و اعتراض با دستگیری و اخراج کارگران آگاه مواجه شده و از این راه مرتباً توان مبارزاتش فرسود میشود. نیروهای سیاسی طبقه متشتت، ضربه خورده و سردرگم اند. حال آنکه در مکرراتهای انقلابی و لیبرالها از نقطه نظر توازن طبقاتی در موقعیت بهتری قرار دارند. باید سرپرستان رهبری آنها سائید، چاره های دیگر جز انزوا در پیش نیست. اما در مقابل، برخورد انقلابی و پویا به مبارزه طبقاتی و روند آن از سطح به عمق میروند، آنچه که اکنون به چشم می آید، به تمام مراحل مبارزاتی که در پیش است تعمیم نمی دهد. روند مبارزات و اعتصابات را از بعد از قیام تا بحال در نظر میگیرد، مطالبات را تجزیه و تحلیل میکند، و توان بالقوه طبقه کارگر را برای امر رهبری با شرایط عینی موجود که این امر را ممکن میگرداند، در نظر گرفته، بقیه در صفحه ۱۶



توضیح و اعتصاب

بقیه از صفحه ۱۵

این راستا تدوین میکند. و چون امکان کسب رهبری پرولتاریا وجود دارد برای آن تدارک می بیند.

در حین مبارزه و اعتصابات، با اتکا به تجربه قیام و پس از آن و تجاوز به در حین عمل کسب میکنند، باید ضرورت رهبری پرولتاریا را در انقلاب، بارها و بارها گوشزد کرد. باید روشن نمود که تنها تحت رهبری پرولتاریا، مطالبات و دستاوردهای حاصل از مبارزات و اعتصابات و قیام میتواند کامل و پایدار باشد. چرا که شوهرها، کنترل کارگری، آزادبها و حقوق و مکرراتیک توده ها... تنها برنظمی نوین میتوانند قرار گیرند که فقط تحت رهبری پرولتاریا بسر انجام رسیدن آن امکان پذیر خواهد بود.

۶- نطفه بستن قیام در ربط اعتصابات توده های: اعتصابات توده های هر چند کم قدرت باشند، تنها وقفای در تولید و باز تولید ایجاد میکنند، سیستم افلج کرد مواز کار می اندازند، اما آن را سرنگون نمیکنند و نظام جدید را جایگزین آن نمی سازند. در اعتصابات توده های سال ۷۰ مشاهده کردیم که اعتصابات عمومی سیاسی در اوج خود، در عین حال محدود و پتهای این شیوه مبارزاتی را عیان کرد وین بست پیشروی بیشتر از این طریق نشان داد. اعتصابات عمومی در اوج، مرحله مکملی را می طلبید که بتدریج در رون اعتصابات، قیام را نطفه بسته بسود. تجربه جهانی نیز موبد محدود بود. اعتصاب عمومی در قطعیت بخشیدن به انقلاب است.

اعتصابات عمومی در حین پیشروی، نطفه های قیام را که نفی و یا الکتیکی اعتصابات است و به محدودیت آن خاتمه میدهد و در خود میپروراند. اعتصاب عمومی سیاسی رژیم بورژوازی را فلج میکند و قیام آنرا درهم گوید و سرنگون میسازد. به تجربه روسیه بازنگریم: "از یک طرف جنبش با اعتصابات برآکنده شروع شد و به سرعت توسعه یافت، اعتصابات توده های گردید، و از طرف دیگر مدل به تظاهرات خیابانی گشت. در سال ۱۹۰۵، اعتصاب سیاسی شکل گرفت و جنبش گردید و دست در مقابل حشمان. پایه قیام توسعه

می باید. (لنین، اعتصاب سیاسی و جنگ خیابانی در مسکو). اما در عین حال اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان پیش فرض بر قیام و زمینه ساز آن بحساب می آید. لنین در مورد اهمیت بی اندازه اعتصاب سیاسی عمومی برای قیام میگوید:

"اشارات و پیش بینی های ما در باره اهمیت بی اندازه اعتصاب سیاسی توده های برای قیام مسلحانه بطرز حیرت انگیزی تأیید شده است. اعتصاب سیاسی سر تا سری روسیه اینبار واقعات تمام کشور را شامل شده است و تمام خلقهای سر تا سر امپراطوری طمعون روسیه را در قیام قهرمانانه یک طبقه که ستم دیده ترین و پیشرفته ترین طبقات است متحد گردانیده است" (لنین، اعتصاب سیاسی در سر تا سر روسیه).

بهر حال، تحارب جهانی و از جمله تجربه سال ۷۰ نشان داد که اتکا صرف به اعتصاب عمومی سیاسی در مرحله ای پایین نیست مواجه میشود، چرا که:

"توقف هر اندازه هم ابعادش گسترده باشد با جایگزینی یک نظام اجتماعی توسط نظام دیگر برآیند نیست" و قیام به ناچار در بطن اعتصابات توده ای رشد میکند. بنابراین اگر نخواهیم بدنیال جنبش خود بخودی به پیش برویم، اتکا صرف به اعتصاب عمومی سیاسی نمیتواند کار ساز باشد، نمیتوان صرفاً زکیمته های مخفی اعتصاب سخن گفت اما از ضرورت هماهنگی عمل کرد آنها برای تحقیق اعتصاب عمومی سیاسی حرفی نزد و نمیتوان در همینجا نیز متوقف ماند. چرا که اگر قرار است اعتصاب عمومی سیاسی به قیام مسلحانه فراروید، ارگانهای رهبری کنند ه این قیام نیز می بایستی تدارک دیده شوند. یعنی کمیته های مخفی اعتصاب سیاسی کمیته های اعمال قهر انقلابی پرولتاریا را در خود بوجود آورند تا ظرفیت فراروی آنها به ارگانهای رهبری قیام مسلحانه را فراهم آید.

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق باید از تمام تجارب درس آموخت.

برقراری اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان پیش شرط و پایه قیام مسلحانه

قانون

بقیه از صفحه ۷

افزایش تولید و حراج نفت، همراه با چند و چندین برآبر شدن مالیاتها تصویب قوانین و کواویج ضد کارگری و مدافع نظم سرمایه، گامهایی است که هر گام آن سقوط و مرگ رژیم را تسریع میکند.

سرمداران رژیم اکنون همچون غریقی در گرداب میمانند که به هر تخته پارهای دست می یازد و واقعیت غرق شدن در دریای گسترده فراموش میکنند. آنان واقعیت مبارزات روبرو شده نهاده توده ها را نمی بینند. نمی بینند که هر روز اقشار وسیعتری از خلق به صف انقلاب می پیوندند. بهمین خاطر به زعم خود شرایط را برای اعلام پیش نویس ارتجاعی قانون کار مطلوب میدانند. آنان موج سهمگین انقلاب را که بر می خیزد نمی بینند، برآمد طوفانی که حتی برخی مزدوران رژیم را مجبور ساخت تا هشدار دهند که این پیش نویس قابل اصلاح، تکمیل و اجرانگیز است.

تلاشی رژیم حتی است. فریب و سرکوب نه راه نجاتش و نه راه خروجش از بحران نخواهد بود. بحران کنونی بحران انقلابی است و راه حل انقلابی می طلبد. انقلاب کارگران و تمامی زحمتکشان به زیر پرچم سرخ پرولتاریا.

کمکهای مالی دریافت شده

۵۰۰۰	۴ - لاله
۱۰۰۰	انقلاب ۱۱۱
۸۷۰۰	جوبانزاده
۳۰۰۰	ک ۱۰۰
۵۰۰۰	انقلاب
۲۸۰۰	لنین - س
۸۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	۳۲۲
۲۵۰۰	۱۴
۱۰۰۰	۵۵۵
۵۰۰۰	سلطانپور ۴۰۰
۱۰۰۰	الدوز
۱۰۰۰	انقلاب
۵۰۰۰	معلم
۱۵۰۰	آموزگار
۵۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	ک ۲۰۲/۲
۵۰۰۰	- ۱۰۱
۳۰۰۰	س - پ ۱۷
۸۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰	ن ۳۲
۵۰۰۰	۴ - ۱۷۳
۱۱۰۰	نوال
۲۵۰۰	نوال
۷۰۰	نوال



بقیه از

صفحه ۱۸

مجلس خبرگان و . . .

میگذارد: «پاربختن آرد» بھند وقتها
ویا سرکوب آنها و نشا نعرفتم قلب
تود هها با فشنک آمریکا ئی: امروز
مردم متعهد گرد باید بد اند که
دولت جمهوری اسلامی اینقدر قدرت
داشت مناطق پر اکا این خائنان
بودند بهماران کند اما نکر
جمهوری اسلامی از شما ملت کسرد
میخواهد . . . بهائید شما هم به
بسجیان در انتخابات همراه شوید.

اما نه تبلیغات و نه سیاستهای
سرکوبگرانه و نه حتی راهحلهای مختلف
جناحهای درگیر رژیم، انتخاب یک
رهبر (منتظری) و با تعیین شورای
رهبری از طریق مجلس خبرگان، هیچ
یک قادر نخواهد بود بن بست قدرت
را حل نماید.

آنجا که نه هیت تود هها، و نه
افزایش ارزاق عموم، تغییر سیستم
توزیع سیگار، افزایش بنزین و . . .
را در پیوند تنگاتنگ با مجلس خبرگان
و در سیسهر رژیم ارزیابی میکند و
اعتنا و با تسخیر آن مینگردد
میباستی که تود هها نشان دادند
مجلس خبرگان نشانه ثبات رژیم
نیست بلکه بیانگر شدت اختلافات
درونی آنها برای کسب قدرت است،
گرچه این درگیریهایی درونی هیت
حاکمه رانها این بیان سیاست بلکه
تناقضات اجتماعی تشکیل میدهد و از
این رو چشم انداز نه ثبات رژیم که
تلاشی آن قرار دارد. گستردگی هر
چهبیشتر تبلیغات رژیم و فزونی م -
افزون اختلافها تنها آگاهی تود هها
رانسبت به ماهیت رژیم افزایش
خواهد داد و خشم آنها را آسان
خواهد زد و آنگاه که این خشم و کین
نه به فرمان پوروزوازی که فرمان تاریخ
بحرکت درآید بنیان نظم کنونی را
درهم خواهد کوبید. اما باستی
که به تود هها گفت که غلبه غم تضارهای
درونی رژیم و بن بست که با آن مواجهاند
رژیم خود بخود نمی افتد و سرنگون
نمیشود باید آنرا به نیروی تود هها
برانداخت و باید که تود هها نقش
تاریخی خویش را ایفا کنند که:
انقلاب کار تود ههاست.

نیست. موسوی اردبیلی هم نوعی با
این امر مخالفت میکند و میگوید که
«در یک انقلاب و مبارزه رهبر به
نشان دادن نقش و شخصیت
خویش مورد پذیرش قرار میگیرد و باید در
شرایط دیگر احتیاج میشود که او را
تعیین کرد. تعیینی که از سوی
خبرگان است و با نظارت شورای
نگهبان».

دیدیم که جناح به اصطلاح «خط
امام» (رفسنجانی و . . .) سعی
در حتم کردن منتظری بعنوان جانشین
خصینی دارند و برای حصول این هدف
تا آنجا پیش میروند که ضرورت تشکیل
مجلس خبرگان را زیر سؤال میبرند.
ولی شدیدا با اینگونه برخورد هیا
مقابله میشود و حتی به مجلس خبرگان
نقشی برتر از رهبر یا رهبران آینده داده
میشود. قره باغ در ۹/۱ در خصوص
وظایف خبرگان میگوید: «اول تعیین
و معرفی رهبر یا شورای رهبری، رهبر
امام نظارت بر بقا» شرایط لازم در
رهبر یا شورای رهبری و مهتدی کسی
هم عینا همین را تذکر میدهد. مجلس
خبرگان، نقش آینده مملکت را تعیین
خواهد کرد و ناظر بر رهبر خواهد بود،
(سخنرانی در نماز جمعه ۹/۵)

اگر این سخنان و موضع گیریهای -
متناقض بیانگر درگیری و اختلافات
جناحهای حاکم برای کسب بالاترین
اھرم قدرت است در عین حال نشان
از اتحاد این جناحها و توافقشان در
نقش اراده مستقل تود هها و حاکمیت
آنها در و تأییدی بر سرکوب جنبش
انقلابی برای حفظ نظام. در همین
حال که سردمداران رژیم برای
پیشبرد این سیاست خود باز میخواهند
با فریب و نیرنگ یا تهدید و اوعاب
تود هها را بسپای صندوق بکشانند که
نمایش آنها بد و ن تماشای و بد و ن
مشوق نباشد. به همین خاطر است
که رفسنجانی و یامشکینی حتی تود هها
را برای دادن رأی منفی یا امتناع
تشویق به رای دادن میکنند.

در راستای همین تبلیغات سیاست
فریب و تهدید است که نماینده شهر
با یک در محل میگوید: «هر رأی که ملت
مسلمان به صندوق بریزد، فشنکی است
که به قلب آمریکا فرو میبرد و نماینده قروه
در تکمیل سخنان او، در راه پیش پای
تود هها و بخصوص مردم مبارز کرد

جناح مخالف نیز بیگانه نمیشوند و
رضیمه سیاسی اطلاعات ۲ آذر به
کنایه به سخنان رفسنجانی با سخن
میدهد و بر لزوم توجه به کیفیت انتخابات
تاکید میکند و میگوید که «نفس انتخابات
اهمیتی ندارد بلکه مهم اینست که
خبرگان بر حق برگزیده شوند تا
بتوانند صلاح امت را بیابند!»

بروشنی پیدا است که موضوع
انتخاب رهبری خود به عاملی
برای عیان تر شدن اختلافات
جناحهای حکومتی بدل گشته است.
جناحهای مختلف رژیم برای در هم
شکستن بن بست قدرت هر یک بنوعی
سعی میکنند تا اھرم رهبری را به
دست خویش گیرند و بر د بگری تحمل
نمایند و البته بعنوان ابزار وی در بن بست
خویش جهت سرکوب تود هها هر
روز که انتخابات خبرگان نزد یکنتر میشود
جناحهای مختلف در تأیید نمایندگان
مصابحه ها و سخنرانیها ترتیب میدهند
اٹمه جمعه در منا بر سخنرانیهای
«جامع و مانع» ترتیب میدهند.
ظاهر امام جمعه اصفهان اعلام
میکند: «همچنان که مردم در رأیت
الله العظمی امام خمینی ویزگیهای
لازم برای رهبری آشناخته اند نسبت
به حضرت آیت الله العظمی منتظری
نقیه عالیقدر هم این ویزگیها را
مردم تشخیص داده اند. و شاید
همین صراحت گوئی طاهری سبب
شد باشد تا بملک نامعلومی!
کاندید اتوری خود ش برای مجلس
خبرگان توسط شورای نگهبان تأیید
نشود. اگر چه اونیز بناچار فرمان
خمینی را گردن نهاده و گفته بود:
«در عین حال جاری نیست که ما
مجلس خبرگان هم داشته باشیم».
(اطلاعات ۸/۳)

رفسنجانی هم با طاهری همصدا
میشود، حجب و حیای اولیه کنار
میگذارد، بخود جرات میدهد و روی
حرف خمینی، حرف میزند: «اگر
فرض بر این باشد که اکثریت مردم به
حضرت آیت الله العظمی منتظری
اتفاق دارند، دیگر خبرگان کاری
ندارد. . . اگر کسی را تود ه مردم -
پذیرفت حتی خبرگان هم نمیتوانند
در خالت کنند» (کیهان ۹/۲)

الته منظور او از «تود ه مردم» -
چیزی بجز همان «امت حزب الله»
نیست. اما بهر حال نه این سخنان
و نه بن بست القاب چون «آیت الله
العظمی» به منتظری چاره ساز



مجلس خبرگان

شد و جناحهای مختلف رژیم را در مقابل جنبش توده ای به مراتب نیرومند تری قرار خواهد داد، آنها هم در شر ایطی که شدت و دامنه تضاد های درونی رژیم پیش از پیش غیر قابل کنترل و تنظیم خواهد بود. البته از مدتها پیش در جناح مخالف رژیم به ضرورت تعیین جانشین بسیار جانشینانی برای خمینی پی برده اند، لیکن این امر تا امروز به علل مختلف به تعویق افتاد بود.

یکی از علل به تعویق افتادن تشکیل مجلس خبرگان در طریقی یکسال و نیم اخیر از میدان بدر کردن بر خسی مدعیان احتمالی قدرت پس از سرک خمینی میتوان ذکر کرد. مثلاً با علم شدن ماجرای کودتای قطب زاده و نبودن او به شریعتداری، هرگونه امکان مانور از شریعتداری سلب شد. فقهای دیگر از جمله گلپایگانی و قمی نیز که بهیم ایجاد اختلاف توسط آنها در امر انتخاب ولی فقیه میرفت نیز به کمک انواع و اقسام شیوه ها به گوشه نشینی محکوم شدند و ناچار به فریبستن و بعد به ترتیب دایره میدان خبرگان آنچنان تنگ شد که تنها سردمداران کنونی را در بر سر میرفت. علت دیگر تاخیر در تشکیل مجلس خبرگان تضاد جناحهای رژیم با یکدیگر بود و است و اینکه هر یک به شکلی خاص بهر اشتیاق متفاوت به این مسئله منکر بسته اند. اختلافاتی که در چند هفته اخیر بوضوح آشکار شد. در فسنجانی بصراحت وجود چنین اختلافاتی را بعنوان علت انجام انتخابات خبرگان برهنگام حضور خمینی (و نه پس از مرگ او) مطرح میسازد تا بقول او از بروز خطر مهمم جلوگیری شود.

در غیاب رهبر انتخابات مجلس خبرگان بسیار کار مشکلی است. یعنی اگر امام حضورند آشته باشند و ما بخواهیم انتخابات کنیم، اختلافاتی که ممکن است بین روحانیت پیشش بیاید، این اختلافات خطر دارد.

والان اگر رهبر هستند، ما از اختلافات جزئی نمیترسیم و خطر مهمی ندارد و مسئله مهمی که هست اینست که اگر در زمان رهبر، خبرگان تعیین شوند و مورد تأیید ایشان قرار گرفتند این خودش برای مجلس خبرگان اعتبار بیشتری است.

(گپهان ۹/۲) (تاکید از ماست)

اما این خطر مهم چیست؟ همانطور که گفتیم هر دو جناح در رونی هیئت حاکمه از آن و اهمیت دارند که هر یک از خمینی تمرکز دستگا حکومتی در چار از هم گسیختگی گردد. پایه های ست رژیم، دست تر شود و آن چنان ابعاد تضاد ها بر سر جریان تعیین دستگا رهبری شدت گیرد که در سرکوب توده ها و در راه تثبیت نظام سرمایه داری واپسته، موانع همچنان با بر جای بماند. آنها با یکدیگر و با رها بر آمد جنبش توده های آنگاه که شکاف در دستگا حکومتی بوجود آمده، تجربه کرده اند. از همین رو قصد کرده اند از بروز این شکافهای "خطرناک" جلوگیری و بزعم خود، رژیم را از سیل بنیان کن انقلاب برهاند. اما این تلاشهای مذبحان رژیم نیز رهجائی نخواهد برد و او را از بن بست قدرت رهائی نخواهد بخشید. در این میان واکنش خمینی نسبت به امر تعیین جانشین خویش جالب توجه است. ما در کار ۱۵ (در مقاله "بن بست قدرت") گفتیم: خمینی خود بهمان مجسم بن بست قدرت - هیئت حاکمه و تضادهای اجتماعی است. هر گاه بخواند در جهت حل بحران برود (اعلام فتوای صریح) الزاماً منجر به تناقضات تازه و تشدید تضاد های موجود خواهد شد و شکاف موجود هیئت حاکمه را عمیقتر کرده بنیان نظام موجود را بخطر خواهد انداخت. هر سخن صریح خمینی تضاد در و جناح حاکمه را که هنوز در کنار هم حرکت میکنند همچنان در مرحله ای از حدت خود خواهد رسانید که هیئت حاکمه را از هم خواهد پاشید. پس انتخاب چارمساز نیست. . . . بهمین رو خمینی علیرغم تمامی اختیاراتی که در امری باشد، از دادن نظر شخصی خود در آری منطقی، جانشین تعیین نمیکند و تنها شرکت در انتخابات را یک تکلیف شرعی قید میکند و از آنجا که دیگر رویگردانی مردم از رژیم را نمیتواند انکار کند، ملتسانه از مردم میخواهد که در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کنند و نشان دهند که از اسلام رویگردان نیستند.

البته جناب رفسنجانی سعی کرد تا بر این بن بست برسد تا ترکشد و سکوت خمینی را بدلیل احترام او بقانون اسکی

و محروم نکردن مردم از انتخاب رهبری جلوه دهد. امام بقانون اساسی و قوانین مادی مملکت فوق العاده احترام میکند و از اطاعت از قانون را واجب میدانند. البته منطقی هم همین است. یعنی امام میلشان اینست که مردم را از انتخاب رهبری محروم نکنند. یعنی طوری باشد که مردم در انتخاب رهبری شریک باشند. (گپهان ۹/۲)

اما خود رفسنجانی در باره مجلس خبرگان چه فکر میکند. او اساساً با این مجلس در شرایط کنونی موافق نیست و سعی میکند تا بطرق مختلف موضع خود را اجابند از او میگوید: ممکن است در این مرحله ضرورتی برای کنار مجلس خبرگان نداشته باشیم، چون قانون بصراحت میگوید که اگر کسی از مراجع مثل امام از طرف توده مردم به رهبری شناخته شد، خود بخود رهبر است و احتیاج به خبرگان ندارد که آنها رهبری را تعیین کنند. (گپهان ۸/۲۷)

اما، خمینی صلاح را در این نمی بیند و نسبت به چنین نفعهای مخالف تشکیل مجلس خبرگان بصراحت پاسخ میدهد: "الآن يك دستة از قزلی كه شنیدم در و راه افتادند كه این مجلس خبرگان نباید باشد. . . . مجلس خبرگان تکلیف است برای همه. . . (اطلاعات ۸/۲)

جناح به اصطلاح "خط امام" که حاضر نیست بوضوح اختلاف نظرش در این مورد با امام آشکار شود از درد دیگری وارد میشود و سعی میکند تا ضمن تأیید اجباری ضرورت خبرگان، تنها علت انتخابات را نشان دادن حضور مردم در صحنه قلمداد کند و پس در این رابطه رفسنجانی در نماز جمعه میگوید: "روزی که اعلان رای کردند و بروید توی خیابانها و در ساجد رایتان را حالا هر چه هست منفی، مثبت، ممتنع، هر چه که باشد بریزید توی صندوقها خود رقم رای امروز مثل رقم سربازهای رزمنده در جبهه است. . . بهمین دلیل امام فرمودند که تکلیف است. (اطلاعات ۸/۲۹) بقیه در صفحه ۱۷

توضیح و پوزش درباره مقاله
اعتصاب عمومی سیاسی
در صفحه ۱۵